

امپریالیسم وحشی و تجاوزگر آمریکا چنگ و دندان نشان میدهد

• انتشار دو پاسخ دولت آمریکا به شرایط ایران، بار دیگر نشان داد که آمریکا ایران را میخواهد،
گر و گانه بهانه اند



ارگان مرکزی حزب توده ایران

دوره هفتم، سال دوم، شماره ۴۱۰
شبه ۱۳ دی ۱۳۵۹، مطابق با
۲۶ صفر ۱۴۰۱، بها: ۱۵ ریال

بر اثر آتش نیروهای انقلاب

به تاسیسات نظامی و نفتی دشمن در بندر فاو آسیب کلی وارد آمد

در ادامه مبارزه دلاوران انقلاب با متجاوزین سنی، تلفات تازه‌ای به نیروهای دشمن وارد شد. ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران در اطلاعیه شماره ۳۵۵ خود شرح گوشه‌ای از عملیات رزمندگان انقلاب را به اطلاع همگان رسانید. در این بقیه در صفحه ۲

سیمای ددمنش امپریالیسم یانکی، در پرتو انقلاب ایران، هر چه بیشتر از سایه‌های فریب که لیرالها بر آن می‌افکنند، بیرون می‌آید. شراره‌های خشم توده‌های میلیونی ایران، که با استقامت سترگ خود، نقشه‌های سالوسی آمریکا را نقش بر آب میکنند، بر چهره شیطان بزرگ می‌افتد و در آتش خود تقاب فریب و ریای آن را بازم میدهد. بقیه در صفحه ۲

«استقلال» ایران از نظر برژینسکی و شرکاء

برژینسکی - مشاور امنیتی کارتر طی یک مصاحبه مطبوعاتی بی‌شائبه جالبی که در شبکه تلویزیون «ان. بی. سی» آمریکا بعمل آورده، گریست و دشمن «استقلال» ایران را تعیین کرده است!

از نظر برژینسکی وقتی «استقلال» ایران محفوظ می‌ماند باشد که «کلیه مسئولان ایرانی صرف نظر از تمایلات سیاسی آنها... خوب توجه کنند» که شوروی تهدیدی است برای استقلال ایران و خوب توجه کنند که «استقلال ایران، آن هنگامی که این کشور با آمریکا روابط حسنه داشت، بهتر حفظ میشد»!

حال اگر مسئولان ایرانی حاضر به پذیرفتن چنین «استقلال»ی نباشند، تکلیف چیست؟ از نظر برژینسکی، آمریکا وظیفه دارد که ایران را از «جنبه دیپلماتیک و اقتصادی... شدت تهیه» کند و اگر موثر نشد، (که نشده است) برای عملیات نظامی، «جیمی کارتر و رونالد ریگان رئیس جمهور منتخب آمریکا، باید آزادی عمل کامل خود را حفظ کنند»!

پدینسان تا «استقلال» نوع آمریکائی، که در «آهنکام» وجود داشت، مجدداً در ایران برقرار نشود تا زمانی که یک رژیم نظیر رژیم «آهنکام» به هر وسیله‌ای، از جمله بوسیله

مگر این ملت داغدار تسلیم این میشود که افرادی مردم را از دشمن اصلیشان غافل کنند؟

حجت الاسلام خامنه‌ای:

آیت‌الله منتظری:

خودداری از هجوم و حمله به دشمن غدار، برای ملت، سؤال برانگیز شده

«وجود آمدن امید ادامه توطئه‌های شیطانی برای آمریکا تمام خواهد شد. متن این نامه چنین است. اهواز - بسمه تعالی آقای طاهری امام جمعه، بقیه در صفحه ۲»

آیت‌الله منتظری:

خودداری از هجوم و حمله به دشمن غدار، برای ملت، سؤال برانگیز شده

«وجود آمدن امید ادامه توطئه‌های شیطانی برای آمریکا تمام خواهد شد. متن این نامه چنین است. اهواز - بسمه تعالی آقای طاهری امام جمعه، بقیه در صفحه ۲»

برژینسکی - مشاور امنیتی کارتر طی یک مصاحبه مطبوعاتی بی‌شائبه جالبی که در شبکه تلویزیون «ان. بی. سی» آمریکا بعمل آورده، گریست و دشمن «استقلال» ایران را تعیین کرده است!

آیت‌الله منتظری:

خودداری از هجوم و حمله به دشمن غدار، برای ملت، سؤال برانگیز شده

«وجود آمدن امید ادامه توطئه‌های شیطانی برای آمریکا تمام خواهد شد. متن این نامه چنین است. اهواز - بسمه تعالی آقای طاهری امام جمعه، بقیه در صفحه ۲»

آیت‌الله منتظری:

خودداری از هجوم و حمله به دشمن غدار، برای ملت، سؤال برانگیز شده

«وجود آمدن امید ادامه توطئه‌های شیطانی برای آمریکا تمام خواهد شد. متن این نامه چنین است. اهواز - بسمه تعالی آقای طاهری امام جمعه، بقیه در صفحه ۲»

برای مبارزه با امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی مردم ایران، متحد شویم!

امپریالیسم وحشی ...

بقیه از صفحه ۱

این روزها با افتاب انواع توطئه های ریاکارانه امپریالیسم آمریکا، از نامه خدعه آمیز کسارتی به امام خمینی گرفته، تا پنهان شدن در پشت ماسک «مقوق بشر»، چهره دوزخی آمریکا عسریاتر از همیشه شده است. ستاد سرمایه داری جهانی، که دوستانش در ایران توطئه های آنرا «فرضی» می دانند، اکنون آشکارا میخیزد و پنجه های خود را برای دریدن قامت پهلوانی انقلاب ایران، که زخم هایش از تیرهای قبلی آمریکایی چنایکتار خونبار است، تیز میکند.

امپریالیسم آمریکا اینک با چهره عریان خود رود روی ماست. چهره ای که از چشم هایش تجاوز و تهاجم شعله میکشد و از دهان عفونتی فریادهای وحشی و سیما نه سرمایه بگوش میرسد. نخست وزیر جمهوری اسلامی ایران با انتشار پاسخهای آمریکا به شرایط معقول و عادلانه ایران برای آزادی «گروگانهای جاسوس»، در دیدار با سفرای کشورهای خارجی، بار دیگر چهره تجاوزگر آمریکا را به جهانیان نشان داد.

در دو پاسخی که توسط نخست وزیر منتشر شده است، امپریالیسم آمریکا ریاکارانه از همه چیز صحبت کرده است. غیر از شرایط ایران! دولت آمریکا، که در پاسخهای خود به ایران، شرایط اعلام شده توسط مجلس ایران را «به منزله مینا جهت پایان دادن به بحران» پذیرفته، در متن پاسخها، که ظاهراً «در چهارچوب نظام قانون اساسی» آمریکا تهیه شده، با استفاده از واژه های چندپهلوی و فرمول بندیهای کشدار و قابل تفسیر و توجیه، در واقع به ایران جواب

رد داده و حاضر نشده است شرایط ایران را بپذیرد. مثلاً در حالی که یکی از شرایط ایران این بوده که آمریکا تعهد کند «از این پس» در ایران دخالت نظامی و سیاسی نکند، آمریکا در پاسخ اول خود، مورخ ۱۷ آبان ۱۳۵۹ این شرط را چنین گفته است:

«ایالات متحده آمریکا حاضر است که یک نسخه از اعلامیه رسمی را که به اعضای رئیس جمهور ایالات متحده رسیده و در آن ایالات متحده خط مشی خود را، که عبارت از خودداری از دخالت کردن در امور داخلی ایران، اتم از مستقیم و یا غیر مستقیم و سیاسی و یا نظامی باشد، اعلام دارد» (کیهان - ۸ دی ۵۹)

در این پاسخ، نه تنها آمریکای تعهد نکرده که «از این پس» در ایران دخالت نکند، بلکه رندانه چنین وانمود کرده است که خط مشی آمریکا عدم دخالت در ایران است، و باین ترتیب خود را از همه چنایات گذشته تیرنه کرده است. علاوه بر این، دولت ایران نزدیک به ۲۴ میلیارد دلار ضمانت مالی خواسته است، که با استفاده از آن، بتواند تنها بخشی از ثروت به غارت رفته مردم ایران را توسط شاه ملعون و آمریکای غارتگر پس بگیرد. اما آمریکا تنها پذیرفته که ۳۰۵ میلیارد دلار، که به نظر آمریکا همه ثروت ایران در آمریکا است، به حساب کشور الجزایر واریز کند. دیگر پاسخهای دولت آمریکا هم، که مطالعه متن دقیق آنها در روزنامه های ۸ دی ۵۹ عبرت آموز است، کم و بیش در همین مسیر است و به یکجا ختم میشود: رد پیشنهاد های ایران با زبان دیپلماسی.

پاسخورد دولت آمریکا به پیشنهاد های ایران بار دیگر چهره تجاوزگر امپریالیسم

یاتی را از زیر هزاران خروار رنگ و تیرنگ لیرالی بیرون میکشد و بار دیگر نشان میدهد که آمریکا «گروگانها» را نمی خواهد، ایران را می خواهد.

نخست وزیر در دیدار خود با سفرای کشورهای خارجی در این باره گفت: «ما ساده ترین راه را برای حل مشکلترین بخش این مسئله پیشنهاد کردیم، اما آمریکا، که بنای حل مساله گروگانگیری را نداشت، تا جنگال تبلیغاتی و حرکت های مذبحخانه در دنیا جنگال پراه انداخت.» (کیهان - ۵ دی ۵۹)

نخست وزیر سپس علت این امر را، که آمریکا نمی خواهد مسئله «گروگانها» را حل کند، شرح داد و بدرستی گفت: «امریکا برای مسئله ۵۲ گروگان مطرح نیست و می خواهد سلطه خودش را بر کشور ما ادامه دهد» (همانجا)

باین ترتیب نخست وزیر در سخنان خود به جهانیان اعلام کرد که: «گروگانها» بپناه اند، آمریکا ایران را می خواهد. و براساسی مضمون سیاست آمریکا چیزی غیر از این نبوده نیست. همانطور که بارها و بارها گفته ایم، و اکنون خوشبختانه مقامات مسئول کشور هم تأکیدی میکنند، پاسخ رد دولت آمریکا به پیشنهاد های ایران برای آزادی «گروگانها»، در واقع بخشی از توطئه هفتم آمریکا علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران و از جمله مهم ترین بخش های آنست. امپریالیسم آمریکا با جنگال پیرامون مسئله «گروگانها»، که مدتی است آغاز شده، می خواهد افکار عمومی جهان را از نقشه اصلی خود منحرف کند و سپس زیر بپناه «نجات گروگانها»، توطئه هفتم خود را، که بقول امام جمعه تهران، حتی ممکن است تهاجم نظامی

امپریالیسم وحشی

اما امپریالیسم، بنا بر ماهیت تجاوزگر خود، وحشی و چنایکتار هم هست. تاریخ این وحشیگری را قرن اخیر با خون هزاران شهید و استخوانهای میلیون ها قربانی، بر صفحات خود ثبت کرده است. از روزی که سرمایه داری رو به رشد اروپا بسوی کشورهای دور دست شرع کشید، تاریخ چنایات سرمایه داری در میان خلقهای جهان آغاز شده تاریخی که همزمان، از جمله در قتل عام کمون پارسی، خون خلقهای خودی را بر خاک ریخته بود. و از همان روز که کریستف کلمب یا به سواحل آمریکا گذاشت، کشتار سرخپوستان آغاز شد، تاریخ بزرگترین چنایات بشری آغاز شد، که تنها یک قلم آن، ۵۰ میلیون کشتار در جنگ دوم جهانی است.

سرمایه داری از همان روز که به غارت ثروت های خلقهای سراسر جهان پرداخت و توده های را که از خانه و کاشانه خویش دفاع میکردند، درخونشان غرق کرد، چنان وانمود کرد که برای دفاع از خود «وحشی»ها را از میان برده است. امروز هم که هفت تیرکشی دیگر، از تبار همان جلادان، ریاست جمهوری بزرگترین انحصارات جهانی را برعهده گرفته است، و امپریالیسم آمریکا لاغر بتواند - برای قتل عام دیگری در ایران چون شیلی و اندونزی و ویتنام و... نقشه میکشد و مردم قهرمان ایران «وحشی»

هم باشد، عملی سازد. این است چهره تجاوزگر امپریالیسم جهانی، بسرکردگی آمریکا!

ریگان سبب مردم ایران را تهدید کرد که چنین و چنان خواهد کرد. حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی، رئیس مجلس شورای اسلامی ایران، چنانکه باید، ماهیت این سخنان هفت تیرکشی جدید کخ سفید را فاش کرد و گفت:

«شما گردن کلفت ها در قرنهای این جنایت را تحت این نام کرده اید و هر جا خواستید جنایت کنید اول مردم را متهم به وحشیگری کرده اید. از شما وحشی تر در تاریخ بشریت وجود ندارد و مخصوصاً سرمداران جمهوریخواه امریکه.» (کیهان - ۸ دی ۵۹)

این سخنان براساسی که فریاد خشمگین مردم قهرمان ایران است که بعد از ۲۵ سال غارت مستقیم توسط امپریالیسم آمریکا و نیرد یا رژیم دست نشانده اش و ۲ سال بیگار سترگ و خونین رو در رو با امپریالیسم آمریکا، ماهیت تجاوزکار و وحشی آن را بخوبی میشناسد.

خلق ایران، همانطور که نخست وزیر گفت، آماده است تا «بیکباردیگر» در آزمایشی که در پیش گرفته، آمریکا را با شکستی کامل تر از گذشته مواجه کند و این تصمیم ملت قهرمان است.

به تاسیسات ...

بقیه از صفحه ۱

اطلاعی از جمله آمده است:

«۱- در جبهه های اهواز، در روز ۱۰/۱۰/۵۹، بر اثر آتش شدید توپخانه، خمپاره انداز و سلاحهای سنگین نیروهای زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران ۳ دستگاه تانک، ۳ عراده توپ، یک دستگاه نفربر، ۳ دستگاه خودرو، ۳ دستگاه لودر و ۲ دستگاه کامیون حامل مهمات نیروهای ارتش عراق منهدم شد و ۵ نفر از نیروهای مزدور صدام کشته و ۷ نفر مجروح شدند. ۲- در جبهه های دزفول، در روز ۱۰ دیماه

۳- روز ۱۰ دیماه توپخانه های دوزن ارتش جمهوری اسلامی ایران مواضع دشمن در بندر فار و تاسیسات نظامی و نفتی این بندر را زیر آتش شدید خود قرار دادند که این تیراندازیها تا ساعت ۱۲:۳۰ روز ۱۰ دیماه ادامه داشت. بر اثر این تیراندازیها مواضع آنان آسیب کلی دیده و یک نفر زخمی دشمن منهدم شد و از تلفات جانی دشمن اطلاع دقیقی در دست نیست. ۴- بر اثر آتش توپخانه نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران و حمله جنگنده های هوا نیروی یک نفر زخمی و یک دستگاه تانک دشمن در جبهه خونین شهر منهدم شد

و از مزدوران صدام یک نفر کشته و ۴ نفر زخمی گزارش شده است. همچنین با اجرای آتش بر روی مواضع دشمن در جاده خونین شهر ساهاوز حدود ۱۱ نفر از مزدوران ارتش عراق کشته و مجروح شدند. ۵- در روز ۱۰ دیماه مواضع دشمن در منطقه شخبیدیل زیر آتش توپخانه و سلاحهای سنگین نیروهای خودی قرار گرفت که در نتیجه ۲ دستگاه تانک دشمن منهدم و تعداد زیادی از پرسنل مزدوران صدام بهلاکت رسیدند. در این عملیات یک دستگاه تانک نیروهای خودی، آسیب دید و همچنین از

بامداد روز گذشته، مواضع دشمن در مناطق صیبه، ام القصر، واصلیه زیر آتش توپخانه های دوزن رزمندگان نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران قرار داشته که خسارات و تلفات قابل ملاحظه ای به دشمن وارد شده است. ۶- در روز ۱۰ دیماه، سوسنگرد، شوش و چسر نادری زیر آتش توپخانه های دوربرد و خمپاره اندازهای سنگین قرار داشت که متقابلاً رزمندگان اسلام به آتش دشمن پاسخ دادند و بر اثر آتش مزدوران صدام، ۲ نفر از رزمندگان نیروهای مسلح ارتش جمهوری

اسلامی ایران مجروح شدند. ۷- در روز ۱۰ دیماه بر اثر آتش توپخانه و سلاحهای سنگین نیروهای زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران بیش از ۸۰ نفر از مزدوران ارتش عراق در جاده دارخوین - مارد کشته و مجروح شدند. در این عملیات خسارات وارده به دشمن عبارت بوده است از: انهدام ۶ دستگاه تانک، ۴ دستگاه خودرو، ۶ سنگر، یک خمپاره انداز سنگین و یک پاسکاه فرماندهی ارتش عراق. ۸- در جبهه آبادان، در روز ۱۰ دیماه، ۲ تن از سربازان نیروهای خود به درجه شهادت رسیدند.

مگر این ملت ...

بقیه از صفحه ۲

دکتر بهشتی سپس به تمام اقشار و طبقات انقلابی خطاب کرد و گفت: «توبیل یاتید، توده ملت ما راه خود را به روشنی انتخاب کرده است. وی آرزو: «بنده این دغدغه های را که اینروزها می اینور آتوز، توی این روزنامه توی آن روزنامه منتشر نمی کنند و بیج می کنند و توی بعضی از این تاکسیها - گویا حدود ۲ هزار تاکسی ضد انقلابی داریم، که ملت ما باید این راننده های ضد انقلابی تاکسی را رسماً شناسایی کند و به مقامات قضایی معرفی کند - ما این دغدغه ها و دلبره آفرینی ها را پاک غلط و نابجا و برخلاف واقعیت موجود یافته ایم. دشمنها بدانند، ملت ما با همان انسجام و هماهنگی و قدرت در مقابلشان ایستاده است. دولتها بدانند ملت ما آنجورها که می گویند، دچار دغدغه و سرگردانی و حیرانی نیست. بلکه یک مدتی دچار یک نوع دغدغه و نگرانی و مقداری حیرانی و سرگردانی شده بود اما این ملت، ملتی نیست که درازمدت در این سرگردانیها بماند...»

وی گفت: «هوشیار باشید، توطئه های در کار است، عده ای می خواهند با تضعیف دولت، بر ثباتی در ایران بوجود آورند. جامعه انقلابی ما امروز بیش از هر چیز به ثبات نیاز دارد. ما هر نوع سبب یابی را که نتیجه اش بر ثباتی در اداره این کشور است محکوم می کنیم. دکتر بهشتی آنگاه در رابطه با مسائل جنگ، ضمن اعلام اینکه وضع عمومی نیروهای انقلاب، در مصاف تجاوزگران روز به روز

بهرتر شده و می شود، به یک پرسش عمومی مردم اشاره کرد و گفت: «این سؤال را همه جا می شنود. سؤال می کنند، آقا چرا ارتش ما، سپاه ما، رزمندگان ما، نیروهای مسلح ما در جبهه، حرکت قاطع تهاجمی شان را شروع نمی کنند؟» دکتر بهشتی سپس ضمن قدرانی از کوشش تمامی نیروهای انقلاب در جبهه های جنگ ملی بیامی به آنان از جمله گفت: «هرچه زودتر حمله تهاجمی و قاطع خودتان را بر ضد متجاوزان مزدور صدام آغاز کنید.»

پس از سخنان آیت الله بهشتی، حجت الاسلام خامنه ای، امام جمعه تهران در خطبه های نماز، اظهارات سردمداران ظلم و چنایت کخ سفید آمریکا را مورد بحث قرار داد. حجت الاسلام خامنه ای همچنین درباره ضرورت وحدت سخن گفت و از جمله لزوم وحدت علیه امپریالیسم و صهیونیسم در منطقه را یادآور شد. وی گفت: «آمریکا و عمالت سعی می کنند با مطرح کردن جاسوسان آمریکایی ملت ما را مرعوب کنند. گاهی مقالات روزنامه های معروف اروپا و آمریکا و حتی روزنامه های مزدور منطقه عربی، نوید می دهند به خودشان، که رئیس جمهور جدید آمریکا ترش و ملایمت به خرج نخواهد داد و به ایران حمله خواهد کرد. گاهی مصاحبه هایی با سران سیاسی مستکبر بزرگ و شیطان بزرگ بخش می کنند که حاکی از این است که تصمیم سختی برای ملت ایران گرفته شده. برای اینکه ملت و دولت ما را مرعوب کنند. از ناحیه مرعوب شدن و ترسیدن در ما سستی ایجاد کنند. این از خارج. از داخل هم عوامل خودشان را، سرانگشتان مزدورشان را وادار کنند که در میان مردم، حالت بیمبری بوجود بیاورند. بیمبری در مقابل دشواریهای طبیعی یک انقلاب. وی سپس به مشکلات و نارسایی های ناگزیر تمام انقلابها

که طی آن تغییر بنیادی در جامعه صورت می گیرد اشاره کرد و همگان را دعوت به صبر و تحمل نمود. حجت الاسلام خامنه ای سپس به توطئه دشمن برای ایجاد اغتشاش اشاره کرد و گفت: «من اعلام میکنم، هرگونه اغتشاشی، هرگونه تصنی تحت هر عنوانی امروز خیانت به اسلام و مسلمین است.»

حجت الاسلام خامنه ای در رابطه با فعالیت عمال دشمن خارجی برای انحراف توجه مردم از دشمن اصلی گفت: «مگر این ملت داغدار تسلیم این می شود که افرادی تحت عنوانهایی، چه در میدان رزم، چه در میدان سیاست، چه در میدان وسایل اجتماعی، مردم را از دشمن اصلیشان غافل کنند. این ملت بیدار، هوشیار و مقاوم بوده و هست و در آینده نیز خواهد بود.»

حجت الاسلام خامنه ای سپس ضمن اشاره به پشتیبانی تمام ملت های مسلمان و انقلابی در منطقه و در سراسر جهان از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران گفت: «ما پیام محبت آمیز شما، همکاری شما، وحدت با شما را از همه چیز عزیزتر می شماریم... این توفانها و موجها بالاخره غاصبان کشتیهای قدرت را در این منطقه خواهد برد. ما طرفدار وحدت اسلامی طرفدار وحدت خلقهای عرب هستیم. اما آن وحدتی که مانند وحدت اسلامی محمدتعالی خائن نباشد.» حجت الاسلام خامنه ای درباره وحدت در سطح منطقه اسلامی از جمله گفت: «وحدت در سراسر دنیای اسلام و بر محور قرآن و اسلام و احترام به حقوق ملتها و انسانها و توده های مستضعف، وحدت بر محور دشمنی بسا امپریالیستها و مستکبران. این وحدت، وحدت محترم و اسلامی است. وی سپس از تمام گروهها و اقشار خواست که از دولت حمایت کنند تا بتواند وظایف خود را انجام دهد.»

مابه دام تحریک و نفاق افکنی نمی افسیم شما هم از این دام حذر کنید!

مقاله‌های در روزنامه جمهوری اسلامی (شماره یکشنبه ۳۰ آذرماه ۱۳۵۹) به قلم آقای ابوالصالحی چاپ و انتشار یافت زیر عنوان "تحلیلی بر مدیحه سراییهای حزب توده". خود عنوان مقاله نشان می‌دهد که نویسنده خواسته است با زدن برچسب نجیب "مدیحه سرایی" به پشتیبانی حزب ماز انقلاب و جمهوری اسلامی ایران - این پشتیبانی را که قابل انکار نیست - به نحوی تحقظه کند. مصالحی که در ساختن این "تحلیل" به کار رفته، از این قبیل است:

"بلیدترین و قسم خورده ترین دشمنان روحانیت و اسلام"، "حزب خائن و مزدور"، "ارگان مامور مزدور"، "بزرگ پرچمدار اسارت روسیه"، "آبرویخته" "ماده پرست"، "مزدور"، "حقه‌ماز - وابسته"، "جریان تنگین"، "الوده و عفن"، "منافق و منافق ترین"، "مزدور و بیگانه"...

ما معمولا به این گونه "تحلیل"ها پاسخ نمی‌دهیم، ولی گاه و به ندرت پاسخ می‌دهیم. ما در تمام مدت چهل ساله عمر حزب، در معرض حمله از جانب تبلیغات امپریالیستی، درباریان، ساواکی‌ها، همه دشمنان استقلال و آزادی ایران و همه استعمارکنندگان و زحمتکشان ایران قرار داشته‌ایم - دانیم که این تبلیغات چندین دهه ساله مستمر، افرادی را نیز در معرض تاثیر قرار داده و در آنها پیشداوری‌های مسمومی به وجود آورده است. ما گاه و به ندرت به این حملات پاسخ می‌دهیم، تا کمکی کرده باشیم به این افراد، تا بتوانند خود را از جنگ آن پیشداوریها رها سازند. ما در راه این مقصود، به این "تحلیل" پاسخ می‌دهیم. ما در پاسخ خود، برخلاف نویسنده "تحلیل"، عفت قلم را رعایت خواهیم کرد - چنان که همیشه رعایت می‌کنیم - هر چند ممکن است که در نظر برخی‌ها فحاشی نشانه "انقلابی گری" و رعایت نزاکت در گفتار و نوشتار نیز به "تزویر" تعبیر گردد. ما همچنین به این دلیل پاسخ می‌دهیم که "تحلیل" در روزنامه "جمهوری اسلامی" انتشار یافته است. این روزنامه قاعدتا می‌بایستی سخنگوی حزب جمهوری اسلامی باشد و لذا قاعدتا در آن نباید جایی برای سمیاشی علیه حزبی باشد که نه در حرف، بلکه در عمل و در همه موارد ثابت کرده است که نیروی انقلابی صادق، هوشیار، فعال و فداکار است. ماز اینکه این "تحلیل" در روزنامه "جمهوری اسلامی" جا گرفته، متأسفیم.

سه پایه «تحلیل»

و اما "تحلیل" بر سه پایه قرار گرفته است: اول اینکه حزب توده ایران وابسته به شوروی است و مامور اجرای سیاست خارجی شوروی در ایران است. دوم اینکه شوروی استعمارگر و اسارتگر است و در صدد است جای آمریکا و غرب را در ایران بگیرد. سوم اینکه حزب توده ایران ضد-اسلامی است.

بر این سه پایه، "تحلیل" انجام گرفته و به این نتیجه رسیده است که: پشتیبانی حزب توده ایران از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران، از خطا مام و روحانیت مبارز پیرو خط امام، تزویر و کلک است. هر سه پایه "تحلیل" کمترین وجه اشتراکی با واقعیت ندارند و تماما مستقیما مأخوذ از دروغ‌های ساختگی تبلیغات امپریالیستی و عملاتی هستند و طبیعا نتیجه‌گیری‌های "تحلیل" نیز تماما ذهنی و بدون توجه به واقعیت و عکس حقیقت از آب درآمدند. (ما فرض کرده‌ایم که غرضی در کار نیست).

پایه اول «تحلیل»

در مورد پایه اول "تحلیل"، یعنی این اتهام که حزب توده ایران وابسته به شوروی است، باید به نویسنده "تحلیل" (و همه افرادی که بی‌غرضانه چنین می‌پندارند) توجه داد که هیچ حزب کارگری و کمونیستی اصیل در سراسر دنیای سرمایه‌داری نیست که از جانب تبلیغات امپریالیستی به عنوان "وابسته به شوروی"، "ستون پنجم"، "الک - دست مسکو"، "مامور و مزدور"، قرار نگرفته باشد. حزب توده ایران نیز (و قبل از آن حزب کمونیست ایران) از بدو تاسیس از جانب تبلیغات امپریالیسم و عمال امپریالیسم در ایران (دربار، ساواک و مجموعه تبلیغات "آریامهری") در معرض این اتهام ردیلا نه قرار گرفته است.

ولی واقعیت اینست که، حزب توده ایران، حزب طبقه کارگر ایران، حزب مدافع زحمتکشان و استعمارشوندگان ایران، صد درصد ایرانی و صد درصد مستقل است، تاکتیک و استراتژی خود را در مبارزه برای کسب و تأمین و تحکیم استقلال و آزادی و ترقی ایران، خود راسا تدوین کرده و می‌کند، کمترین دخالتی، از جانب هیچ نیرویی در-تصمیم‌گیری و عمل حزب ما نمی‌شود و حزب ما کمترین دخالتی را نیز از هیچ کس نمی‌پذیرد. و اصولا و عملا رابطه احزاب کمونیستی و کارگری در سطح جهانی، بر پایه احترام کامل و بی‌خدشه به استقلال این احزاب استوار است. استقلال احزاب کارگری و کمونیستی اصیل بی‌قید و شرط است، برای احزاب بزرگتر و کوچکتر درجه بندی ندارد و بر این مبنا، حزب توده ایران همان-قدر نسبت به مثلا حزب کمونیست لوکزامبورگ مستقل است که نسبت به حزب کمونیست اتحاد شوروی. احزاب کمونیست و کارگری نیز که به حاکمیت (در کشورهای سوسیالیستی) رسیده‌اند، با آن احزاب کمونیست و کارگری که در کشورهای مختلف می‌رززند، از نظر استقلال، کمترین تفاوت و کمترین برتری نسبت به یکدیگر ندارند.

استقلال کامل احزاب کارگری و کمونیستی اصیل، که در عمل تمام رعایت و کاملا اجرا می‌شود، پایه‌متشورری دارد. از دیدگاه آموزش مارکسیسم - لنینیسم، در هر کشوری فقط حزب کارگری آن کشور می‌تواند و صلاحیت دارد که اوضاع - اجتماعی آن کشور را به درستی تحلیل کند و احکام عام مارکسیسم - لنینیسم را که نه احکام جامد، بلکه رهنمودهای عمل هستند، بر شرایط خاص هر کشور تطبیق دهد و بر مبنای تحلیل شرایط ویژه کشور خود، تاکتیک و استراتژی مبارزه زحمتکشان کشور خود را تدوین کند. به عبارت دیگر، استقلال احزاب پیرو ایدئولوژی مارکسیستی - لنینیستی از دیدگاه همین ایدئولوژی، ضروری است که می‌بایستی اکیدا اجرا شود. بنابراین، نه فقط کسی به استقلال - حزب توده ایران قصد تحقظی ندارد و استقلال حزب توده ایران نیز تحقظی پذیر نیست، بلکه استقلال کامل، خود وسیله ضرور برای کارایی حزب ما (مانند دیگر احزاب برادر) در میدان نبرد اجتماعی است.

و اما این اتهام که حزب توده ایران "مامور اجرای سیاست خارجی شوروی در ایران است"، به همان گونه مبتذل است که گفته شود سیاست خارجی شوروی در ایران، مامور اجرای سیاست حزب توده ایران است. این اتهام چیزی نیست، جز تکرار همان تبلیغات امپریالیستی، که همه احزاب کارگری و کمونیستی اصیل را در هر کشوری "دست-مسکو" معرفی می‌کند، به قصد ایجاد سوءظن، هم نسبت به شوروی و هم نسبت به حزب کارگری و کمونیستی اصیل

در هر کشور، تا به کمک این سوءظن، هم بتوان جنبش‌های آزاد بخش خود - امپریالیستی و انقلابی‌های استقلال طلبانه را از متحدین طبیعی آنها - از کشورهای سوسیالیستی، به ویژه اتحاد شوروی - جدا کرد، تا ضربه‌پذیر گردند، و هم بتوان حزب کارگری مدافع زحمتکشان و استقلال هر کشور را از دیگر نیروهای راستین انقلابی ضدامپریالیستی جدا کرد، و بدینسان جنبش استقلال طلبانه را از درون تضعیف و آسیب‌پذیر نمود. ایجاد چنین سوءظن دو جانبه به برهم برداری از آن در ایران، با صراحت تمام در دستورالعملی که پروژینسکی از جانب گارتو به وزارت خارجه آمریکا ابلاغ کرده بود و متن آن در مرداد ماه سال گذشته توسط رئیس جمهوری اسلامی ایران فاش شد و در ایران انتشار یافت و به "خط پروژینسکی" معروف شد، منکس است، و اگر کسی فقط معتقد باشد که امریکادشمن اصلی خلق و انقلاب ماست، به گمان ما، تنها با توجه به این سند می‌تواند ریشه سوءظن‌هایی را که در اثر تبلیغات امپریالیستی، هم نسبت به شوروی و هم نسبت به حزب توده ایران، در او به وجود آمده، بیابد و دیگر مهملات تبلیغات امپریالیستی را در جهت القاء این سوءظن‌ها به دیگران تکرار نکند.

پایه دوم «تحلیل»

پایه دوم "تحلیل" این دعوی است که شوروی استعمارگر و اسارتگر است و در صدد است جای آمریکا و غرب را در ایران بگیرد. این دعوی نیز کمترین وجه اشتراکی با واقعیت ندارد. در این مقاله کوتاه فرصت نیست که ما به توضیح نظام اقتصادی - اجتماعی سوسیالیسم بپردازیم، تا معلوم شود نظامی که سرمایه‌داری را ریشه‌کن و استعمارفرداز فرد را ازین برگزیده، نمی‌تواند استعمارگر و اسارتگر باشد، نمی‌تواند در صدد گرفتن جای آمریکا و غرب در ایران باشد، نمی‌تواند به چشم طمع به شورش و استقلال ما، بنگرد. این بحثی است که در این مقال نمی‌کنیم. ولی ما معتقدیم که واقعیت سرخسخت‌اندو به تدریج واقع - یعنی در اشخاص بی‌غرض، بر بنیاد با فانی غلبه خواهد کرد. در اینجا فقط به دو نکته توجه می‌دهیم:

یکی این نکته، علاوه بر تبلیغات ضد سوسیالیستی و ضد شوروی، که از طرف امپریالیسم و ارتجاع جهانی، از همان روز پیروزی انقلاب سوسیالیستی اکثر آغاز شد و دم به دم بروست و طیف رنگارنگ آن افزوده گشت، در این دو دهه اخیر، که آبروی امپریالیسم، به عنوان غارتگر و اسارتگر خلق‌ها، به مقیاس جهانی بر باد رفت، امپریالیسم جهانی، و در راس آن آمریکا، شیوه تبلیغاتی جدیدی به کار برد مبنی بر این که، سوسیالیسم را چیزی شبیه به سرمایه‌داری امپریالیستی و شوروی را چیزی شبیه به آمریکا معرفی کند. این "تقسیم بی‌آبرویی"، که سپس به کمک ماگوتسیم وسعت بیشتری یافت، شگرد تبلیغاتی نوظهوری بود که سوسیالیسم را نوعی سرمایه‌داری انحصاری دولتی و شوروی را نوعی امپریالیسم یا "سوسیال امپریالیسم" معرفی می‌کرد، تا بدین-وسیله کشورهای سوسیالیستی و به ویژه اتحاد شوروی در نظر خلق‌ها همان امپریالیست‌هایی وانمود شوند که خلق‌ها در وجود کشورهای امپریالیستی می - شناختند. "تئوری جعلی" و من در آوردی "سه جهان" برای دامن زدن به این تبلیغات سر هم بندی شد و کار این چشم‌بندی تا آنجا موثر افتاد که، حتی نیروهای اجتماعی صادقانه استقلال طلب و صادقانه ضدامپریالیستی، در گوشه و کنار جهان، به دام آن افتادند. چنانکه مثلا همین رهبران لیبی، که امروز معتقد

به ضرورت همکاری متقابل با کشورهای سوسیالیستی در مبارزه ضدامپریالیستی به خاطر کسب استقلال، در تمام ابعاد آن، و نوسازی کشور به سود زحمتکشان شده‌اند، در آغاز تا آنجا نسبت به این کشورها دچار سوءظن بودند که آنها را حتی مانند کشورهای امپریالیستی، دشمن می‌پنداشتند. واقعیت سپس به تدریج جای پندارهای زیانبخش را گرفت. ضمنا مفید است به اظهارات رهبران جنبش‌های آزادیبخش ملی و دولتهای ضدامپریالیستی، از جمله جمال - عبدالناصر فقید، خانم ایندیرا گاندی، حافظ اسد، بومدین قنید، قذافی، یاسر عرفات و... که "کمونیست" نیستند، درباره اتحاد شوروی و نقش آن در کمک به جنبش‌های آزادیبخش ملی در مبارزه ضدامپریالیستی توجه شود.

نکته دوم که ما بدان توجه می‌دهیم، این واقعیت است که، همه کشورهای سوسیالیستی، که قدرت حاکمه در آنها زیر رهبری احزاب کمونیست اصیل قرار دارند، از انقلاب ایران در برابر امپریالیسم هارو و تجاوزکار پشتیبانی کرده‌اند و همگی اعلام داشته‌اند که بدون کمترین قید و شرط سیاسی، حاضرند در تمام زمینها، بر مبنای - برابری کامل، به جمهوری اسلامی ایران کمک کنند.

ما به همه کسانی که نمی‌خواهند عمدا چشم خود را به روی واقعیت ببندند، توصیه می‌کنیم که به این دو نکته توجه کنند.

پایه سوم «تحلیل»

سومین پایه "تحلیل" این دعوی است که حزب توده ایران ضدا سلامی است. این دعوی نیز کمترین وجه مشترکی با واقعیت ندارد. ما نه فقط ضدا سلامی نیستیم، بلکه مخالف اسلام هم نیستیم. ما نه فقط به عقاید مذهبی مردم عمیقا احترام می‌گذاریم و نه فقط مخالف اسلام نیستیم، بلکه با آن اسلامی که طرفدار مستضعفان علیه مستکبران است، یعنی با اسلام راستین، اسلامی که امام خمینی نماینده آنست، در بسیاری جهات موافقیم، و این موافقت نیز نه ناشی از ترس است و نه وسیله "تزویر". این موافقت ناشی از جهان بینی خود ماست که از نظر فلسفی

با اسلام تفاوت دارد، ولی از نظر اجتماعی، در بسیاری جهات با اسلام راستین می‌تواند هم‌گام باشد و هم‌گام هست.

ما البته حزب مذهبی نیستیم. ما حزب سیاسی هستیم که ایدئولوژی خود را اعلام کرده‌ایم: ما پیرو ایدئولوژی سوسیالیسم علمی هستیم، خود اینکه ما اعلام کرده‌ایم که پیرو ایدئولوژی سوسیالیسم علمی هستیم، بهترین سندی است که نشان می‌دهد ما نه از کسی می‌ترسیم و نه "تزویر" می‌کنیم. ولی پیروی ما از ایدئولوژی سوسیالیسم علمی باعث آن نیست که حتی ما در صفوف حزب خود، پیروان عقاید مذهبی را راه ندهیم. خود بنیان‌گذاران - ایدئولوژی سوسیالیسم علمی (به ویژه لنین) تاکید کرده‌اند که پیروان مذاهب می‌توانند به عضویت حزب کمونیست درآیند، چون که این حزب، حزب - سیاسی است و نه فرقه مذهبی. ما متوجه حزب سیاسی و نه فرقه مذهبی، پیروان عقاید مذهبی گوناگون را به عضویت حزب می‌پذیریم، فقط به این شرط که آنها اصول مراسم و اساسنامه حزب ما را بپذیرند. ما در صفوف حزب خود، مسلمان، آرمینی، زردشتی و پیروان دیگر مذاهب متعدد را داریم. بد نیست یادآور شویم که سلیمان میرزا اسکندری، که از موسسان حزب توده ایران بود، مسلمانانی بود که همه مراسم عبادی را انجام می‌داد و امام خمینی روزی، در یکی از سخنرانی‌های خود، به این واقعیت اشاره کردند.

خود نویسنده "تحلیل" نیز گویی باطن معتقد نیست که حزب توده ایران، ضدا سلامی است، زیرا در زدن برچسب "ضدا سلامی" به حزب ما، "دلایلی" آورده است که با واقعیت و با حقیقت وفق نمی‌دهد. از جمله "دلیل" آورده است که گویا مارکس و لنین توصیه کرده‌اند که "باید در برخورد با مذهب، مارکسیست‌ها ابتدا آنرا از جنبه معنوی تهی کنند و توجهات مادی بر آن نمایند" و گویا، بر مبنای این توصیه، حزب توده ایران در صدد "تحریف و مسخ" اسلام برآمده است! معلوم نیست که نویسنده "تحلیل"، این جمله را از کجا آورده و یا به او تحویل داده‌اند، تا آنرا به مارکس و بقیه در صفحه ۶



زنان دستفروش شیراز

دوسال از انقلاب شکوهمند ایران میگذرد و یکی از معضلات هنوز حل نشده آن بحران بیکاری است. این بحران ریشه‌های عمیق در رژیم جنایتکار و سرسپرده پهلوی دارد. لیکن بعد از انقلاب نیز بعلاوه اشتباهات مسئولین امروز کارهای بسیار شده است. در دولت "گام به گام"، ضدانقلابیون از یک طرف اقتصاد مراکز تولیدی با انواع حیل جلوگیری بعمل آوردند و اینک نیز از هیچ توطئه‌ای برای به تعطیل کشاندن مراکز صنعتی و تولیدی خودداری نمی‌کنند. یکی از مظاهر شداید بحران در وجود ویرانی هرچه بیشتر "دست فروشان" تجلی می‌یابد. این قشر زحمتکش در تلاش معاش، آخرین



سرمایه‌اش را به کار انداخته و اجناس مورد نیاز مردم را در معرض فروش قرار میدهد. دستفروشان در معابر عمومی بساط کسب می‌کنند و اجناس خود را گاهی اوقات از انتر عرضه میکنند. در شیراز نیز در اکثر محلات شهر این دستفروشان وجود دارند. بطور مثال: سرتاسر خیابان زند، از فلکه ستاد تا فلکه شهرداری، سرتاسر خیابان لطفعلی خان زند، که قسمت انتهایی آن به محله "گودریان" (به زبان محلی "گودریون") معروف است. در میان این دستفروشان زحمتکش، زنان نیز دیده میشوند، که گاه بعلاوه بی سرپرست بودن و نگاه بخاطر کفایت نبودن حقوق همسر برای مرز زندگی، به این شغل روی آورده‌اند.

برای آشنایی بیشتر با مشکلات این زنان زحمتکش به محله گودریان می‌رویم و پای در دلد چند تن از آنان می‌نشینیم. به اولین نوری که برخورد می‌کنیم، زنی است با لباس محلی، در جلوش بساط کوچکی پهن است. قیچی قندشکن، گازانبر، سیخ کباب و... در کنارش می‌نشینیم. سن دقیقش را نمی‌داند، شاید حدود ۳۰ سال داشته باشد. اسمش لاله زار فتحی است. میگوید:

"بیست سال است از مردودشت بخاطر وضع بد کشاورزی به شیراز آمده‌ایم و حالاً در کپه‌های فلکه ولی عصر زندگی می‌کنیم. دو بچه ۴ و ۶ ساله دارد. شوهرش از آغاز جنگ به جبهه رفته است. راجع به جنگ میگوید:

"انشاء الله زودتر تمام شود و این جنگ‌ده‌ها هم به خانه‌شان برگردند. از وضعیت بعد از انقلاب می‌پرسم میگوید:

"خدا حفظشان کند. برای محله آب لوله کشی کشیده‌اند. صبحها هم برای زنها کلاس درس گذاشته‌اند. ولی بوضع ما باید بیشتر رسیدگی کنند. از صبح تا حالا (ساعت ۵ صبح) هنوز فروشی نداشته‌ام."

بیشتری نمی‌خواهیم. زاهمان را ادا می‌دهیم. به خانم سالخورده‌ای بر می‌خوریم که در کنار بساط تنباکو نشسته است. خود را معصومه کوه‌رنگ ۴۲ ساله، معرفی میکند. از زندگی می‌پرسم. تنه‌دار سرتاسر یک خانواده زندگی می‌کند. روزی ۳ تومان میدهد. از کارش سوال می‌کنیم. میگوید:

"درآمد خیلی کم است، این تنباکو شاید چند هفته طول بکشد تا فروش برود." در مورد انقلاب فقط سلامتی امام خمینی را آرزو دارد. میگوید:

"مادر دعا کن امام سالم باشد. همه چیز درست میشود. فقط خدا امام را حفظ کند." در مورد جنگ می‌پرسم. به سبب فحش میدهند و برای خانواده‌های جنگ زده دلسوزی میکند. میگوید:

"درآمد چندانی ندارم و الاحتمال کمک به آنها می‌کنم. از وی خدا حافظی می‌کنیم و به بساط دیگری می‌رویم. پیرزنی در جلوی بساطی روی زمین نشسته است. انواع و اقسام داروهای عطاری را می‌فروشد. نامش ماهرخ جاماسی است. ۵۰ ساله است. ۴ پسر و یک دختر دارد. بخاطر بی سرپرست بودن، به این شغل روی آورده‌است. میگوید:

"کارواکاسی خیلی بد است. خرجمان زیاد است. دو پسر بزرگ بیکار هستند. می‌پرسم از دولت چه انتظاری داری؟ میگوید:

"باید به ما هم رسیدگی کنند. هر روز از صبح تا عصر می‌آیم اینجا می‌نشینیم، ولی یک برای نان شب هم محتاجیم. با مشکلات و خواسته‌های تنی چند از این زنان زحمتکش آشنا شدیم. دولت انقلابی باید یک کاراندازی مراکز تولیدی و ایجاد شغل‌های مناسب برای شهروندان ایرانی، این قشر زحمتکش را نیز به کارهای فعال و خلاق مشغول دارد.

کارگران تولیدارو

با انقلاب در همه سنگرها

کارگران و جنگ

از ابتدای تجا و آزامریکایی رژیم صدام به انقلاب ایران، کارگران تولیدارو هم در صف مقدم جبهه دفاع از میهن انقلابی شتافتند، هم در پشت جبهه تمام امکانات خود را بکار گرفتند، بعضی از امکانات کارگران در این مدت بقدر زیر است:

الف - همه کارگران منقضی خدمت سال ۵۶، که قریب به ۴۰ نفر را شامل می‌شد، به جبهه جنگ اعزام شده‌اند. عده‌ای از کارگران نیز بطور داوطلب به خط مقدم جبهه رفته‌اند.

ب - شورای کارکنان کارت خانه آمادگی کارگران را، بمنظور اعزام به جبهه، بطور رسمی به مسئولین مربوطه اعلام داشته‌است.

پ - تعدادی از کارکنان فنی برای کارهای تعمیراتی به جبهه رفته‌اند.

ت - بسیج کارخانه، که پیش از جنگ مدتی چندین فعالیتی نداشته‌پس از شروع جنگ، مجدداً شروع به کار کرد.

ث - یک گروه بیست و یک نفری از طرف انجمن اسلامی آمادگی رزمی یافته و آمادگی خود را برای پاسداری از کارخانه اعلام داشته‌است.

ج - از طرف انجمن اسلامی در گوشه تولیدارو جادری برپا شده و کمک‌های زیاد اهالی

محل و کارگران به هلال احمر واگذار می‌شود. چ - کارخانه فقط دو آمبولانس در اختیار داشت، که هر دو را به جبهه فرستاد. هر چند روزیکبار نیز مقداری دارو به جبهه ارسال می‌شود.

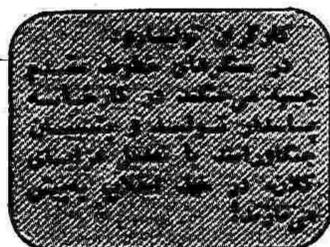
ح - علیرغم بخش مکرر اعلامیه‌های گروهک‌های ضد-انقلابی ما ثوابتی و جیب‌نما-های آمریکا ای دایر بر "ارتجاعی" بودن جنگ و اصرار بر عدم شرکت کارگران در امر دفاع از میهن، کارگران، چه در صحنه تولید و پشت جبهه چه در صف مقدم نبرد، به فعالیت خستگی ناپذیر و تواتر مباحثاتی خود ادامه می‌دهند.

تولید ادامه دارد

در تولیدارو، قسمت کیوان، با تامین روغن نباتی، کار از نو شروع شده و تولید ادامه دارد. در قسمت کیوان حدود ۱۵۰ نفر مشغول کارند. در این جادر اثر کمبود شکر و روغن نباتی، بعضی از خطوط از کار افتاد بود، که با فراهم آمدن روغن نباتی، اکنون تولید از سر گرفته شده است. هر چند هنوز در بعضی از قسمت‌ها کم‌کاری وجود دارد.

تعديل حقوق‌های گزافی

در اواخر آبان ماه گذشته، طی بخشنامه‌ای، حق ایاب و ذهاب کسانی که حقوق‌های بالاتر



از صد و پنجاه هزار ریال در ماه می‌گرفتند و از سرویس هم استفاده می‌کردند، قطع شد. این افراد، که عموماً از مدیران تولید، سرپرست‌های بخش و امثال آن بودند، بعنوان اعتراض اعلامیه‌ای داده و اظهار داشته‌اند که دیگر از این پس از سرویس رفت و آمد استفاده نخواهند کرد و بایست همان مبلغ ماهیانه هشت هزار ریال حق ایاب و ذهاب به آنان تعلق گیرد!

بدیهی است که کارگران، شورای کارکنان و انجمن اسلامی کارخانه با این خواست غیر-معقول مخالفت کردند.

حرکت استوار، اصولی و پیگیر کارگران انقلابی تولیدارو در خط دورانساز حرکت مردم ایران است و از ماهیت پیشقراولی طبقه کارگر خبر می‌دهد. ما نندکارگران تولیدارو همه امکانات و نیروهای خود را در راستای انقلاب بکارگیریم.

گرامی باد خاطره کارگر توده‌ای، شاطر علی خوئینی!

و افری داشت، او بخانواده‌اش وصیت کرده بود، به محض اینکه عالم بهم خورد، دنیال رفقای توده‌ای بفرستید، و به همراه آنها مرا از زمین بردارید، می‌خواهم تا آخرین دم حیات با آنها باشم و در میان آنها این جهان را وداع گویم. خاطره‌اش گرامی باد!

"پیروزی جنبش انقلابی مردم ایران در بهمن ماه سال ۵۷ و باز شدن مجدد کلوب حزب توده ایران نشأت دوران جوانی را بیاد من می‌آورد. شاطر علی به همه توده‌ای‌ها، که ده‌ها سال در کنار آنها مبارزه در راه حق و حقیقت ادامه داده بود، علاقه

شاطر علی: می‌خواهم تا آخرین لحظه عمرم در میان رفقای توده‌ای باشم

شاطر علی خوئینی، رفیق کهنسال و مبارز ما، در سن ۸۵ سالگی چشم فرو بست. او یکی از قدیمی‌ترین اعضا حزب توده ایران در قزوین بود.

شاطر علی مبارزه را از زادگاهش خوشین از توابع زنجان، که در سیطره خوانین ذوالفقاری بود، شروع کرد. وی ۳۵ سال صادقانه در میان رفقای عزیز چون کامبخش و قدوه، و زمانی در فرقه دمکرات آذربایجان همراه شهید شیخ محمد علی خوئینی در زنجان، در صفوف مبارزان راه استقلال آزادی و پیروزی کارگران زحمتکش مبارزه کرد.

شاطر علی یار کارگران، راهنما و پیش‌کسوت آنها بود. شاطرها، لاقه‌اندازان، خمیر گیران، پادوها و باج‌اندازهای نانوایشیهای قزوین، سالیان سال شاهد مبارزات دلیرانه او در راه احقاق حقوق صغی خود بودند. اتحادیه کارگران قزوین بهمت او تشکیل شد و سالها سنگر مبارزان نانوا-خانه‌ها بود.

شاطر علی با رها بخاطر دفاع از حقوق کارگران به زندان افتاد و تحت شکنجه‌های طاقت فرسا قرار گرفت و زمانی هم به زندان تهران تبعید گردید. در این و آخر میگفت:

قابل توجه خبرنگاران نامه «مردم» که برای صفحه کارگری مطلب می‌فرستند

- ۱- اخبار و گزارش‌های گوناگون کارگری برای نامه "مردم" ارسال می‌دارند، از همه رفقا خواهشمندیم موارد زیرین را در نظر داشته باشند:
- ۲- اخبار و گزارش‌های ارسالی باید با احساس مسئولیت کامل تهیه شود و صد درصد موثق باشد.
- ۳- اسامی خاص (کارخانه‌ها، افراد و...) بطور اخص و کل مطلب بطور اعم، کاملاً خوانا باشد. مطلب پشت و روی کاغذ نوشته نشود، بلکه روی یک صفحه کاغذ باشد.
- ۴- رپرتاژها به کارگاه‌های کوچک محدود نشود. در مورد کارخانه‌ها و واحدهای بزرگ تولیدی و مسائل عام آن‌ها بیشتر گزارش فرستاده شود.
- ۵- در صورت امکان گزارش‌ها حتماً با عکس همراه باشد. عکس رنگی نباشد.
- ۶- اخبار مربوط به تعطیل شدن احتمالی کارخانه‌ها، باید ذکر دلایل و شرح راه افتادن مجدد آن، بویژه با ذکر دقیق تاریخ، ارسال شود.
- ۷- اخباری که از تحصن و اعتصاب احتمالی در این یا آن واحد فرستاده می‌شود، حتماً باید بدنیال آن تاریخ یا این و چگونگی آن گزارش شود.
- ۸- در هر حال تاریخ دقیق هر خبر، نام و عنوان واحد تولیدی و نوع تولید آن باید تصریح شود.
- ۹- نظریات خود را درباره "تحوه" درج مطالب و مضمون مطالب صفحه کارگری، بمنظور بهبود آن، ارسال دارید. موفق باشید!

طبقه کارگران ایران در افزایش تولید، توهم خسارات جنگ و دفاع در جبهه، پیشقدم است

اگر زمین در اختیار ما باشد، با عشق و علاقه به تلاش می پردازیم و بیشتر کار می کنیم.

اجرای فوری قانون اصلاحات ارضی راه درست غلبه بر آمریکا و تجاوزگران صدامی است

روستائیان جرات کنند و بخواهند بطور دستجمعی روی زمینهای را کفشدالها کشت نمایند، با حمله جماعتدارهای فتوئدال روبرو شده و آزار و شکنجه می شوند.

این مسئول همچنین درباره روستائیان بی زمین که بر روی اراضی فتوئدالها کار می کنند، گفته است:

... روستائیان که بطور مزدوری و نصفه کاری روی زمینهای فتوئدالها کار می کنند، منطقتان اینست که محصول و در نتیجه دسترنج سال از آن دیگران است و اگر زمین در اختیار ما باشد، با عشق و علاقه به تلاش می پردازیم و بیشتر کار می کنیم.

جنگ تحمیلی رژیم صدام به ایران نشان داد که زحمتکشان شهر و روستا بحق دستاوردهای انقلاب، تحقق خواستههای خود را می بینند و بدین خاطر خود و فرزندان، چه درسنگر چه در کشتزار، تا پای جان در برابر متجاوزان صدامی و ارباب آن آمریکا ایستاده اند.

برای این که این نیروی عظیم را بصیروی پرتوان و شکست ناپذیری برای حراست از دستاوردهای انقلاب بدل سازیم، لازم است که هیئت های هفت نفری قاطعانه در سراسر کشور کار اجرای قانون اصلاحات ارضی را به پایان برسانند. و برای آنکه این وظیفه میزم انقلابی عملی شود، لازم است که در مقابل توطئه های بزرگ مالکان و عوامل آنها، این هیئت ها مورد حمایت همه جانبه تمام نهاد های دولتی و انقلابی قرار گیرند و خود زحمتکشان روستاها را تمام قوا از آنان و فعالیت پرستار و انقلابی آنان، که در جهت تحکیم جمهوری اسلامی ایران و پیشرفت انقلاب است، حمایت کنند و بانگ حمایت خود را از هیئت های ۷ نفری و همچو یکتی بر سر بزرگ مالکان و زدمای پس پلید آنان بگویند.

قانون اصلاحات ارضی بویژه هدف و سیاسی دور کردن دهقانان از انقلاب و ایجاد تخم باس و نومیدی در دل دهقانان بی زمین و کم زمین را تعقیب می کرد. بخشی از سخنان مسئول هیئت واگذاری، که در نشریه "پیام مبارز" آمده است، موبدین نکته "سیاسی و دلسردی ناشی از مشکلات قبل از انقلاب و استعمار و بیچارگی" است. نشریه اضافه میکند:

"بازگروه های تحقیق از طرف نهادهای دولتی و انقلابی به روستاها آمده و در زمینه مسائل و مشکلات زندگی روستائیان همچون زمین، آب، احشام، تعداد خانوار و وضع تحصیل و بهداشت در روستا به تحقیق و مارگری پرداختند ولی هیچ اقدامی بعمل نیامد."

... در روستاهایی که بیشتر حاکم است، فتوئدال ها هنوز هم حاکمیت دارند. در بعضی از روستاها مشاهده میشود که زمینهای زیادی از فتوئدالها را کدوبلا استفاده افتاده و روستایی بیچاره حق کار کردن بر روی زمینها را حتی بطور مزدوری ندارند و اگر

اعلام مسئله تقسیم زمین بودند، تا اعلام همبستگی نمایند و خدا از درون آنان آگاه است. عده های درنفسزد گروه های تحقیق ستاد واگذاری زمین اظهار زبونی و همبستگی می کنند، ولی در خفا دست به توطئه و اشکال تراشی می زنند و عده های دیگر از زمین داران حتی در ظاهر هم مخالفت خود را اعلام نموده و شورای منتخب روستائیان را نیز تهدید می کنند که در مانده و جالب آن که هر سه دسته خوب فهمیده اند که دیگر عمر بهره کشی و استثمار کردن آنان بسرا مده است.

زمینداران بزرگ، هر جا که توانستند، با کمک چماقداران دردهات و بیاباری عوامل خود در دستگاه های دولتی، مانع انجام کار هیئت های هفت نفری شدند. چون پیشرفت کار هیئت های هفت نفری را مقایسه مافسخ خود و گامی در جهت سرک خوب شدن میدیدند.

این چماقداران هر گانه که قادر به مخالفت صریح نبودند، از روحانی نمایان وابسته به خود مخالفت یا خط امام استفاده می کردند. توطئه بزرگ مالکان برای تعویق و تاخیر اجرای کامل

یاسداران، آن نقشه های شیطانی را یکی پس از دیگری نقش بر آب کردند. سقوط دولت موقت و اعلام طرح انقلابی "واگذاری و احیاء اراضی" مصوبه شورای انقلاب، موجب امیدواری هر چه بیشتر تهدیدستان روستا و مقاومت مذبحخانه، ولی هر چه فزونتر زمینداران بزرگو لبرالها و روحانی طرفدار آنان گردید. توطئه ها و تحریکات و کارشکنی ها، یکی پس از دیگری، از سوی بهره کشان به اجرا درآمد. تا مانع اجرای قانون اصلاحات ارضی و کار هیئت های هفت نفری مامور اجرای این قانون شوند.

نشریه "پیام مبارز" که "نشریه مستقل و اسلامی مازندران" است، در شماره ۶ خود تحت عنوان "گزارشی از عملکرد هیئت هفت نفره ساری و از زبان یکی از مسئولان هیئت واگذاری زمین، در این مورد نوشته است:

"... پس از طرح مسئله واگذاری زمین توسط هیئت ۷ نفری، زمینداران بزرگ عکس العمل های گوناگون از خود نشان دادند. عده ای بظاهر خود را طرفدار دواتشه این طرح قلمداد می کنند، انگار که فقط منتظر

انقلاب بزرگ ما موجب طرح خواستهایی شد که سالیان سال در عمق وجود زحمتکشان شهر و روستا نهفته بود. خفقان پلیسی رژیم دست نشانده پهلوی اجازه آبراز این خواسته را نمی داد. طی انقلاب، دهقانان بی زمین و کم زمین، یعنی اکثریت عظیم محرومان کشورمان، با شور و شعف خاص و موسایل گوناگون، به بیان این خواسته های بحق پرداختند. خواسته های حقه آنان چیزی نبود جز بر خورداری از زمینی که روی آن کار میکنند، جز این که حاصل کار به خودشان برسد، جز پاک کردن آثار طاغوت و نوسازی روستاها و تامین زندگی شایسته نظام انقلابی برای این استعداد گان. لیکن انجام هرقادامی بمنظور تحقق این خواستها، با مخالفتها و کارشکنی های بزرگ مالکان غارتگر و نمایندگان و سخنگویان آشکار و پنهان آنان، اعم از لبرالها و روحانی نمایان ضد خط امام مواجه شد. هدف اقدامات بزرگوار و دولت موقت و بورژوازی میالکسان خونخوار در مخالفت با خواسته های کشاورزان تهدید شده، عبارت بود از حفظ منافع غارتگرانه این غاصبان و تحکیم پایگاه امپریالیستی و هم چنین ایجاد باس و نومیدی در دهقانان بی زمین و کم زمین و تضعیف پایگاه مردمی انقلاب.

اما از یکسو اعتقاد و ایمان این زحمتکشان به جمهوری اسلامی ایران و به انقلاب خودشان و قاطعیت رهبر انقلاب در جانبداری از مستضعفان و کوچ نشینان، و از سوی دیگر اقدامات شانه زوری انقلابیون در نهادهای انقلابی، چون جهاد سازندگی و سپاه

دهقانان مهربان آماده دفاع از انقلاب و خواستار واگذاری زمینها هستند

باز هم به روستاهای دهستان مهربان می رویم و این بار از خواست و نیازهای اهالی روستای گجل احمد و قراتلو و قراتقو و دارقشلاق سخن می گوئیم. قریه گجل احمد این قریه در ۱۲۲ کیلومتری شمال همدان واقع است. (۶۰ خانوار، ۲۲ خانوار آن خوش نشین جمعیت در حدود ۳۴۰ نفر).

مالکین این ده دارای زمین هایی به مساحت ۳۲۰ هکتار بوده اند، که بدنبال انجام وظیفه انقلابی هیئت هفت نفری واگذاری زمین بین خوش نشینان تقسیم شده، تا برای امسال به زیر کشت برده شود، یکی از خوش نشینان در این باره میگوید: "لازم است زمین ها را به صورت قاطع و قانونی و برای همیشه واگذار کنند، که ما هم با دلگرمی بیشتری به کار کشاورزی بپردازیم."

در این روستا از بهداشت دارو در مانگا خبری نیست. جهاد سازندگی مشغول احداث یک حمام دوشی است، و این امر موجب خوشحالی اهالی روستا شده است. آنها راه شوسه و بندر گندم برای کشت طلب میکنند. اهالی این روستا آمادگی خود را برای شرکت در بسیج عمومی اعلام کرده اند و همچنین ۷ راس گوسفند و ۴۰۰۰۰ ریال وجه نقد به جنگ زدگان کمک کرده اند.

در این قریه (۱۰۰ کیلومتری شمال غربی همدان) جمعیت حدود ۹۲۰ نفر، ۱۸۰ خانوار، ۲۰ خانوار خوش نشین) ۲۰۰ هکتار زمین متعلق به ارباب بود، که دهقانان نسل اندر نسل با کار خود آن را آباد کرده بودند. خوش نشینان و دهقانان این زمین ها را بین خود تقسیم کرده اند و این امر با موافقت هیئت هفت نفری واگذاری زمین صورت گرفته است. یکی از دهقانان در این مورد میگوید: "سال گذشته، قبل از تقسیم زمین، هر وقت از مالک شکایت می کردیم، نمایندگان ما را به زندان می انداختند."

است، که نیمه تمام است. اهالی این ده بصورت کتبی از جهاد خواستند که اقدام به حفریک چاه عمیق کند. اهالی این روستا نیز آمادگی خود را برای شرکت در بسیج عمومی اعلام کرده اند، منقضیان خدمت ۵۶ این روستا نیز خود را معرفی کرده اند. اهالی این روستا همچنین ۳۰ راس گوسفند، نقدا و فراوانی نان پنیر و انگور نیز به جنگ زدگان کمک کرده اند.

قریه قرانقو در این قریه ۱۵۰ خانوار زندگی می کنند، که از این تعداد ۱۲ خانوار خوش نشین اند، جمعیت این ده حدود ۲۳۰ نفر است.

جهاد سازندگی در این ده اقدام به تاسیس حمام و لایروبی قنوات کرده است و وضع راهها بسیار خراب است. درمانگا، بزرگ و دارو ندارد. دارقشلاق این قریه از توابع دهستان مهربان، در فاصله ۹۸ کیلومتری همدان و دارای ۸۰ خانوار است (۱۴ خانوار خوش نشین).

جهاد در این روستا مشغول ساختن حمام و لایروبی قنوات است و مردم از این بابت بسیار راضی اند، ولی وضع راهها بسیار نا مساعد است و دهقانان میگویند که نفت و گاز و فیول و روغن بهر نمی رسد. از بهداشت خبری نیست. آب روستا کم است. به مناسبت جنگ تحمیلی رژیم صدام حسین، منقضی خدمتان ۵۶ این روستا خود را معرفی کرده اند و همچنین یک عده به عنوان "جان فدا" خود را معرفی کرده اند.

واگذاری زمین های بایر و موات به دهقانان بی زمین و کم زمین

در استان اصفهان (داران) روستایی است به نام "ننادگان"، که نزدیک به ۳ هزار نفر جمعیت دارد و از کسبدهای فراوانی رنج می برد. از جمله این روستا برق، جاده و پل ندارد. مردم این روستا، به کمک هیئت هفت نفری، ۲ نفر نماینده خود را انتخاب کرده اند، که خوشبختانه هر دو نفر از دهقانان آگاه و زحمتکش این روستا هستند. این نمایندگان، به کمک مردم روستا، توانسته اند به خوش نشین های بی زمین و کم زمین ها، زمین واگذار کنند. گرچه اکثر زمین هایی که به روستائیان واگذار شده، زمین "موات" یا "بایر" بدون مالک بوده و اربابان نمی توانند ادعایی داشته باشند ولی اینها صدا به "اعتراض" بلند کرده اند، زیرا اگر کشاورز زمین از خودش داشته باشد، دیگر حاضر نمی شود تن به استثمار بدهد و در زمین ارباب و بزرگ مالک کار کند. به همین جهت مالکین عده اصولا با هر نوع اصلاحات ارضی به سود دهقانان و اجزای هر یک از بندهای قانون - نه تنها بند "ج" - مخالف هستند. آنها می خواهند شیره جان دهقانان را بکنند و برای این کار نمی گذارند دهقانان به حق خود، یعنی به زمین برسند. به این ترتیب مالکان حتی در مورد زمین های موات و بایر نیز شکایاتی تسلیم ادارات مختلف می کنند تا شاید بتوانند اصولا در کار اصلاحات ارضی اختلال کنند. به خصوص از وقتی اعلام شده که فعلا بند "ج" عمل نمی شود، این شکایت ها رو به فزونی گذاشته است و بهانه تازه ای برای اربابان شده است تا دست به ارباب و خرابکاری بزنند.

از طرف دیگر، کشاورزان این روستا با کمک نمایندگان منتخب خود و هیئت هفت نفری داران، زمین ها را به صورت "مشاع" کشت کرده اند. همچنین این گروه های مشاع اقدام به حفر چاه در زمین ها کرده اند و باوایی که "هیئت" داده است، توانسته اند کشت پاییزه را "گندم دیمی" بکارند و بتوانند در بهار، با استفاده از چاه و آب، به رشد محصولات خود بپردازند. سایر دهقانان به روستائیان ننادگان آفرین می گویند. چه بهتر که در همه جا هیئت ها، با کمک خود روستائیان، به طور تعاونی عمل کنند و با کشت مشاع، راه زندگی بهتر و فارغ از تسلط بزرگ مالک را، به سود انقلاب، بکشایند.

دهقانان از اعضای متعهد نهادهای انقلابی جهاد سازندگی و سپاه پاسداران برای تشکیل شورای ده و تسریع کار هیئت هفت نفری کمک بکنند.

جبهه انقلاب جهانی، علیرغم مقاومت‌های امپریالیسم وارتجاع جهانی، بسرکردگی آمریکا، به پیش می‌رود

سال میلاادی چگونه گذشت؟

برای نمونه، امپریالیسم آمریکا نه تنها "دشمن اصلی" خلق ماست، بلکه "دشمن شماره یک" بشریت بشمار می‌رود. این امپریالیسم آمریکا است که نه تنها علیه ما جناسات می‌کرده و می‌کند، بلکه هر جا که سوسی از استقلال، آزادی و پیشرفت اجتماعی به مشامش برسد، به توطئه دست می‌زند، کودتا و کشتار راه می‌اندازد، به تجاوز می‌پردازد و جنگ می‌افروزد.

خوشبختانه آن دوران مدت‌ها سیری شده است، که امپریالیسم و دستیاران آن می‌توانستند در صحنه جهان ترکانازی و تکتازی کنند؛ بجایند، ویران کنند و بکشند. جبهه جهانی نیروهای انقلابی، مرکب از جامعه کشورهای سوسیالیستی، جنبش‌های آزادی‌بخش ملی و جنبش طبقه کارگر کشورهای پیشرفته، سرمایه‌داری، سالیانست که ابتکار عمل را از دست نیروهای امپریالیسم و ارتجاع به‌در آورده‌اند. و خود به‌طور کلی به عامل تعیین کننده راستای تحولات جهانی مبدل شده‌اند.

رویدادهای سال گذشته میلادی ممکن است این برداشت را برانگیزد که گویا جبهه امپریالیسم و ارتجاع تعرض جدیدی را آغاز کرده است. برداشتی که به‌ظاهر قابل توجه است. اما همان‌گونه که در آغاز مقاله نیز یادآور شدیم، درباره این رویدادها نمی‌توان گسته از روند عمومی گرایش‌های تاریخی، به قضاوت نشست.

واقعیت آن است که شتاب روند انقلاب و بعد دستاوردهای آن در دهه‌های گذشته به اندازه‌ای سهیم بوده است، که جبهه امپریالیسم و ارتجاع را به واهمه انداخته است. این "تعرض" بیش از آن که دال بر توانایی این جبهه اهریمنی باشد و هراسزدگی آنرا از شکست‌ها و ناکامی‌های سال‌های پیش و بیم آنرا از سرشوت بی‌چشم‌انداز خوش‌نشان می‌دهد.

با همه هوشیاری که باید در برابر این یلنگ نیرخورده نشان داد به آینده جبهه انقلاب جهانی می‌توان و باید خوشبین بود - واقعیتی که در رویدادها و روندهای سال ۱۹۸۰ نیز، با همه ناهمگونی‌ها و فرازونشیب آن‌ها، به‌خوبی پدیدار است.

پایان

مقاومت فلسطین را با انقلاب ایران یادآور شویم. اما حتی در پیشرفته‌ترین کشورهای سرمایه‌داری نیز، که دولت‌هایشان با امپریالیسم آمریکا هم‌پیمان و همدست هستند، زحمتکشان این کشورها بارها همسنگی خود را با مردم انقلابی و زحمتکش ایران به ثبوت رسانیده‌اند. به‌گفته امام خمینی، حتی حساب ملت و مستضعفین آمریکا را باید از حساب دولت امپریالیستی آن کشور جدا ساخت.

حال، بر پایه این اعتماد عمیق که انقلاب ما انقلابی ضد-امپریالیستی و خلقی است و هدف‌های آن نیز عمقا انسانی و ضد ست است، باید پرسید:

آیا موضع‌گیری و عملکرد دشمنان و دوستان خارجی انقلاب ایران می‌تواند درباره دیگر پدیده‌ها، رویدادها و روندهای همانند جهان ما دیگرگون باشد؟

به نظر ما نه! برای اثبات این ادعا هزاران نمونه موجود است. کافی است که تنها به چند مورد محدود ارائه شده در دو بخش نخست این مقاله رجوع کنیم.

همچنین پس از پیروزی، از پشتیبانی و همسنگی گسترده بین‌المللی بهره‌مند شده است. جبهه دوستان خارجی ما در درجه نخست کشورهای سوسیالیستی، به‌ویژه اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی، را در بر می‌گیرد. فراموش نکنیم که اخطار-های جدی اتحاد شوروی به ایالات متحده آمریکا عامل توانایی بود که از بسیاری از ماجراجویی‌های "شیطان بزرگ" جلوگیری کرد. کشورهای سوسیالیستی، به‌خصوص در شرایطی که امپریالیسم جهانی، هم‌پیمانان و عمالش تلاش می‌ورزند تا ما را از راه شانتاژهای سیاسی و تحریم اقتصادی، به‌خیال واهی خود، به تسلیم وادارند، پیوسته آمادگی خود را برای اعطای هرگونه کمک بی‌دریغ و بلاشرطی اعلام داشته‌اند.

جبهه دوستان ما همچنین جنبش‌های آزادی‌بخش راستین را شامل می‌شود. در اینجا کافی است که پشتیبانی عملی جنبش آزادی-بخش خلق‌های عرب و رژیم‌های مترقی نماینده‌ان - چون کشورهای عضو "جبهه پایداری و روبروسی عرب" - از جمهوری اسلامی ایران و یا همسنگی پایداری جنبش

بین‌المللی دشمنان و دوستان این انقلاب کیانند؟ تعمیم نتیجه‌گیری ما در مورد مشخص ایران، پاسخ نسبتاً دقیقی در برابر چگونگی صف‌آرایی نیروها و کارکرد آن‌ها در جهان به دست خواهد داد.

حتی نگاهی سطحی به صف-بندی نیروهای جهانی در قبال انقلاب ۲۳ بهمن نشان می‌دهد که، دشمنان خارجی آن امپریالیسم، به سرکردگی امپریالیسم آمریکا، و دستیاران و مزدوران مرتجع آن‌بوده و هستند. در عین حال، تجربه-روزانه ما، از نخستین دقایق پس از پیروزی، نشان می‌دهد که، امپریالیسم ایالات متحده، همان‌گونه که امام خمینی نیز بارها تأکید کرده‌اند، "دشمن اصلی" خلق ما و انقلاب است: "شیطان بزرگ"ی که تا کون شش توطئه رنگارنگ را برای براندازی انقلاب و جمهوری اسلامی ایران سازمان داده است و اینک نیز، کمک دستیاران و مزدوران خود، دسیسه شوم دیگری را در کار می‌بیند. از سوی دیگر، خلق ما، نه تنها در دوران مبارزه دشوار و دیرینه خود علیه امپریالیسم آمریکا و رژیم وابسته و مستبد پهلوی، بلکه

داوری درست درباره اهمیت رویدادهای سال میلادی ۱۹۸۰، بدون در نظر گرفتن چارچوب تاریخی گسترده‌تری که این وقایع را دربر می‌گیرد، نه بازآور است و نه سودمند چه این رویدادهای به‌ظاهر ناهمگون، اجزاء روند تاریخی را تشکیل می‌دهند، که مهم‌ترین خصیصه آن پویایی جهت‌مند است. درک عمیق این پویایی تاریخی تنها هنگامی میسر است که در سطح حوادث گوناگون باقی نمانیم، بلکه بگوئیم تا آنها را در هم پیوستگی با یکدیگر و در پیوند با خود-ویژگی‌ها و قانونمندی‌های دورانمان بررسی کنیم.

برای دریافت این خودویژگی‌ها و قانونمندی‌ها، بدون این که بخواهیم وارد بحث بفرنج علمی بشویم، می‌توانیم خیلی ساده برسیم:

"چه نیروها و کارکردهایی در پهنه سیاست بین‌المللی در راستای پیشرفت جامعه بشری بوده و کدام یک هدفی جز واپس‌گرایی نداشته است؟"

پاسخ به این سؤال نه تنها لااقل تقریبی از خودویژگی‌ها و قانونمندی‌های زمان ما به دست خواهد داد، بلکه همچنین ما را در سنجش وزن و اهمیت رویدادهای گوناگون باری خواهد کرد و این پاسخ چنین است:

رویدادهای مشخص شکل تجلی نبرد سه‌گانه عمیق هستند که در پهنه بین‌المللی میان جبهه-امپریالیسم و ارتجاع از یک‌سو، و جبهه-ضد امپریالیسم و ترقی از سوی دیگر، در جریان است.

در حالی که امپریالیسم و ارتجاع همواره می‌کوشند، تا آشکار و نهان، خشونت‌بار و "ظریف"، مقاصد تجاوزکارانه، چپاول‌گرانه و سرکوب-گرانه خود را اعمال کنند، نیروهای جبهه ضد امپریالیسم و ترقی، در راه مقابله با تجاوز، احقاق حقوق عادلانه خلق‌ها و پیشرفت اجتماعی می‌رزمند.

برای "تدقیق" این پاسخ، لازم نیست به راه دور برویم. کافی است که به آینده انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی خود نگاهی بیافکنیم، روند پرتلاطم آنرا در نظر بگیریم و ببینیم که در گستره-

مابه...

بقیه از صفحه ۳

لنین نسبت دهد. نویسنده "تحلیل" حتی توجه نکرده است که مارکس و لنین در یک زمان زندگی نکرده‌اند و بنابراین نمی‌توانستند دوتایی باهم این جمله را بگویند!

و اما درباره نوشته‌هایی که حزب توده ایران از نشریات خود درباره اسلام انتشار داده، نویسنده "تحلیل" که خود را مسلمان می‌داند، بهتر بود به پیروی از اخلاقی که اسلام راستین توصیه می‌کند، این نوشته‌ها را بدون پیشداوری مطالعه کند، تا بداند که حزب ما نه در صدد "تحریف و مسخ" اسلام، بلکه در صدد عرضه محتوای اجتماعی مترقی و رزمنده اسلام راستین به خوانندگان نشریات حزب برآمده است.

و یا "دلایلی" آورده است از این قبیل:

"تاریخ معاصر ایران مملو از خیانت-هایی است که مارکسیست‌ها (به‌خصوص اصولی‌هایشان!) (علامت تعجب از خود نویسنده "تحلیل" است) به جنبش‌های رهایی‌بخش ملی و اسلامی ما نموده‌اند. از زمان روحانی آزاده میرزا کوچک‌خان جنگلی گرفته تا جریان ملی شدن نفت به رهبری دکتر مصدق و آیتا... کاشانی و ارتجاعی خواندن قیام خونین ۱۵ خرداد و به شهادت رسانیدن مجاهدان شهید شریف واقفی و صدیق‌ملک‌اف و... میهن‌ماشاهد انواع جنایت‌ها و از پشت‌خنجر زدن‌های این کافران مزدور بوده است..."

با عرض معذرت باید گفت که وقتی انسان این نوع جملات را می‌خواند، بی‌اختیار به یاد تبلیغات ضد توده‌های

نوع "آریامهر" می‌افتد که برای مبارزه با حزب توده ایران علاوه بر زندان و شکنجه و اعدام وسیله‌ای جز تهمت و افترا نداشت.

ما فرض می‌کنیم که نویسنده "تحلیل" اطلاعی از واقعیت جنبش "جنگل" و علل شکست آن ندارد (حق دارد، چون هر آنچه درباره این جنبش در ایران چاپ و نشر یافته مضمونی جز-قلب‌حقایی به سود امپریالیسم و ارتجاع و حکومت "پهلوی‌ها" نداشته است) و نیز فرض می‌کنیم که نویسنده "تحلیل" نظریات مغلوطنی از جنبش دوران مصدق و جریانات آن دارد و در نتیجه، بر-مبنای اطلاعات نادرستی که از تحلیل آن جریان‌ها دارد، "تنها به قاضی رفته است". ولی چگونه فرض کنیم که نویسنده "تحلیل" نمی‌داند که حزب ما در مرداد سال گذشته و به مناسبت سالگرد ۱۵ خرداد، ویژه‌نامه‌ای (برای رده‌بین افترا بی که وی تکرار کرده) انتشار داد و با ارائه اسناد ثابت کرد که حزب توده ایران از جنبش ۱۵ خرداد به عنوان بروز خشم خلق برضد رژیم منحوس استبدادی و استعمارپذیر شاه ملعون، دفاع و پشتیبانی کرده، و از همان زمان، آری از همان زمان، از خط ضد امپریالیستی و ضد استبدادی مبارزه امام خمینی حمایت کرده و سخنرانی‌های ایشان را از رادیوی بی‌ک ایران، که صدای آزاد حزب توده ایران بود، پخش کرده است.

ولی ما بازم فرض می‌کنیم که نویسنده "تحلیل" از این هم بی‌اطلاع است و به دام تبلیغات سوء دشمنان انقلاب افتاده است. ولی دیگر نمی‌توانیم تعجب کنیم، وقتی در "تحلیل" می-بینیم که، نویسنده از قاتلین شریف-واقفی و صدیق‌ملک‌اف گرفته تا حسن‌تریه و لیبرال‌ها، هر کدام را به نوعی به حزب توده ایران چسبانده، تا بتواند رعد

لیبرال‌ها با اتهام به روحانیت مبارز، که با "توده‌ای‌ها" هم‌آواز شده است، می‌خواهند روحانیت مبارز را علیه حزب توده ایران برانگیزند، حزب توده ایران را به‌دست روحانیت مبارز بگویند، یعنی کاری را که خود قادر به انجام آن نیستند، به‌دست روحانیت مبارز انجام دهند، و بدین وسیله، یک نیروی وفادار و فداکار انقلابی را از جبهه انقلاب، به‌خیال خود، برانند و جبهه انقلاب را تضعیف کنند. نویسنده "تحلیل"، بدون اینکه خود بخواهد، با حمله به حزب توده ایران، همان کاری را کرده است که لیبرال‌ها می‌خواهند!

ولی باید این نکته را به‌نویسنده "تحلیل" خاطر نشان کرد که، لیبرال-ها فقط دشمن حزب توده ایران نیستند، آن‌ها به‌کوبیدن حزب توده ایران قانع نیستند، آن‌ها هر عملی را که به‌سود انقلاب، استعمیق انقلاب، به‌پیروزی انقلاب است، عملی "کمونیستی" معرفی می‌کنند. آن‌ها با هر عمل انقلابی مخالفند. به‌گفته آن‌ها تشدید مبارزه ضد امپریالیستی و ضد آمریکا "کمونیستی" است، تقسیم اراضی زراعی و لغو بزرگ مالکی "کمونیستی" است، جیره‌بندی "کمونیستی" است، ملی‌کردن بازرگانی خارجی "کمونیستی" است، دولتی کردن مدارس خصوصی "کمونیستی" است... لیبرال‌ها هر عملی را که در جهت تأمین منافع کورخ-نشینان، در جهت تحدید دایره عمل سرمایه‌داری بزرگ و وابسته و بزرگ مالکی انجام گیرد، "الفا" ایدئولوژی توده‌ای-ها می‌نامند. بنابراین برای دفع اتهام "کمونیستی" و "هم‌آوازی با توده‌ای‌ها"، تنها کافی نیست که به حزب توده ایران حمله شود، باید از اقدامات انقلابی عدول کرد، باید فریاد زد و در عمل اثبات کرد که "سه

انگیزه «تحلیل»

چرا نویسنده "تحلیل" ناگهان و ظاهراً بی هیچ دلیلی به حزب توده ایران این چنین حمله کرده است؟ انگیزه "تحلیل" درخود "تحلیل" به صراحت آمده است. در "تحلیل" آمده است که دفاع حزب توده ایران "از روحانیت مبارز و اسلام اصیل... خود وسیله غیرمستقیمی (شده) است برای تبلیغ لیبرال‌ها، که ایرادات بجای روحانیت را از غروب زدگی و تخصص‌گرایی آن‌ها، هم‌آوازی با حزب توده بدانند، آن‌چنان که در نوشته‌ها و کارنامه‌های کسانی منعکس است و این قشر عزیز و نگهبان اسلام باید هوشیارتر باشند و جلوی این بهانه‌سازی را بگیرند." (تکیه از ما ست)

پس انگیزه و شان نزول "تحلیل" روشن است: چون لیبرال‌ها برای تخریب ایرادات بجای روحانیت مبارز از غرب‌گرایی، روحانیت مبارز را متهم می‌کنند که شما با حزب توده ایران هم-آواز شده‌اید، پس برای این که این بهانه از آن‌ها گرفته شود، باید به حزب توده ایران حمله کرد و بدین وسیله نشان داد که روحانیت مبارز با حزب توده ایران هم‌آواز نشده است!

نویسنده "تحلیل"، به خیال خود، راه‌حل پیدا کرده که، اتهام لیبرال‌ها را به‌وسیله حمله به حزب توده ایران رد کند، بدون اینکه متوجه باشد که درست به دام لیبرال‌ها افتاده است.

پیشنهاد

نویسنده «تحلیل»

"تحلیل" با پیشنهاد زیر به پایان می‌رسد:

بر مسئولان محترم جمهوری اسلامی، بخصوص نمایندگان محترم مجلس شورای اسلامی است، که از طریق پیغمدر صفحه ۷

حجت الاسلام خلیفای طی يك سخنرانی در شهر سمنان، ضمن اشاره به حضور ناوگانهای دول امپریالیستی در خلیج فارس و توطئه های آنها علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران گفت:

«انصارات چند ملیتی که همیشه وظیفه انهدام ملل مستضعف را داشته اند، الان منافع خودشان را در خطر می بینند.»

حجت الاسلام خلیفای طی که روز ۲۸ آذرماه ۵۹ در سالن سروشیده استادبوم تختی سمنان، در حضور گروه کثیری از مردم این شهر سخن می گفت، ضمن اظهار مطلب بالا، افزود:

«در جامعه ما دیگر نباید فتودال، سرمایه دار، فساد و قاچاق وجود داشته باشد. دیگر نباید تصیری ها در جامعه ما باشند.»

وی خطاب به مردم گفت:

شما سنت انگلی را کوتاه گردید و امروز در زیر فشار قرار دارید. محاصره اقتصادی می شوید. ناوهای جنگی امریکا، انگلستان و کانادا از تنگه هرمز می گذردند و خلیج فارس می آیند. آنها می خواهند دوباره نفت را مجانی ببرند. ولی اگر از آنها حرکتی در خلیج فارس مشاهده شود، خلیج فارس را می بندیم. بسته شدن خلیج فارس، یعنی بسته شدن گلوئی امپریالیسم و صیونیسم.»

حجت الاسلام خلیفای طی در ادامه سخنان خود یادآور شد:

«آنها نمی خواهند غارتگری گذشته را از دست بدهند. می آمدند در ایران و بوسیله شاه خانی و داروغه او مورد استقبال قرار می گرفتند. بعد هم در میهمانیهای مفصل از طرف اعلم و شریف امامی

حجت الاسلام خلیفای طی: «دیگر بعد از انقلاب آقابالاسری از انگلستان و امریکا نمیخواهیم»

عوامل ضدانقلاب را طرفداران غرب در دولت موقت فراری دادند. مراعاتی، تزیه و بختیار را چه کسانی فراری دادند؟

در جامعه ما دیگر نباید فتودال، سرمایه دار، فساد و قاچاق وجود داشته باشد. دیگر نباید تصیری ها در جامعه ما باشند.

و... شرکت می کردند. پروتکلها را امضا می کردند و با تشریفات کامل و بدون دسر از کشور خارج می شدند. ولی حالا مسئله اینطور

نیست ما در يك انقلاب اسلامی و اصیل اعلام کرده ایم که دیگر بعد از انقلاب آقابالاسری از انگلستان و امریکا نمیخواهیم. ما به سراسر جهان عملا نشان داده ایم که می خواهیم نفت خودمان را خودمان داشته باشیم. دیگر گذشت آن دورانی که نفت ما مفت و مجانی از لوله های نفت آبادان به بنادر اسرائیلی جاری شود.

وی آنگاه به فرار عوامل وابسته به امپریالیسم و ارتجاع جهانی اشاره کرد و گفت:

«آنها بوسیله طرفداران غرب که در دولت موقت بودند، فرار کردند و گذرنامه قلابی درست کردند. مراعاتی، تزیه و بختیار را چه کسانی فراری دادند؟»

حجت الاسلام خلیفای طی، در بخش دیگری از سخنان خود، به توطئه های امپریالیسم امریکا علیه انقلاب ایران اشاره کرد و گفت:

«آمریکا از هر دری وارد شد که انقلاب ایران را شکست دهد. از طریق طبعی، اختلافات داخلی، از طریق گروه های منحرف، ولی توطئه های امریکا یکی پس از دیگری با شکست مواجه شده.»

حجت الاسلام خلیفای طی در پایان سخنان خود به لزوم اتحاد و همبستگی اشاره کرد و خاطر نشان ساخت:

«ما با هم در ارگانهای دولتی اختلافات جزئی داریم. اختلافات سلیقه وجود دارد. با همه اختلافات سلیقه ای که بین ما وجود دارد، باید مواظب بود که دشمن استفاده نکند. اتحاد خود را حفظ کنید و قدر این انقلاب و اتحاد را بدانید.»

ضدانقلاب در کردستان به فعالیت ادامه میدهد

های کومله و یانسد قاسملو و روزگاری با نیروهای دولتی درگیر بودند و عمده ای از طرفین کشته و مجروح و یا به گروگان گرفته شدند.

ضدانقلابیون اخیرا در راه سقز به يك مینی بوس حمله و ۴ پاسدار را جابجا اعدام کردند. همانطور که در اخبار هم آمده بود افراد کومله، افراد هیئت هفت نفری و اگنداری زمین را به گروگان گرفته اند.

یوگان در دستبیشمرگان قاسملو قرار دارد و گروه های سبیا ساخته «بیکار» و «تومله» همچنان در شهر هستند و پاسداران در چندصد متری آن مستقرند.

در اینجا گرانی از هریوان هم بیشتر است. بگفته یکی از شاهدان عینی، يك بشکه نفت به قیمت ۴۷۰۰ تومان بفروش رفته است!

در دزلی، یکی از دهکده های نزدیک مرز، بمدت ۴ روز نیرو-

در هریوان گرانی بیداد می کند، بطوریکه يك بشکه نفت ۶۵ ریالی به قیمت ۳۰۰ تومان به فروش می رسد. کمبود آذوقه و مواد غذایی مردم را در تنگنا قرار داده و باعث نارضایتی شدید آنها شده است. چندی قبل، پیشمرگان قاسملو به شهر حمله کرده بودند، ولی حملاتشان دفع شد. اکنون حملات پراکنده و مداوم به شهر صورت میگیرد.

اخبار رسیده از کردستان تا اواخر آذرماه حکایت از ادامه فعالیت ضدانقلاب در این استان دارد.

در سنندج، که آرامش نسبی برقرار است، چند اداره (مخابرات، دارائی، برق و...) شروع به کار کرده اند و از طریق امتحانات ورودی کارمندان استخدام می کنند، ولی مدارس شهر هنوز تعطیلند.

البته ضدانقلاب هنوز گاملا سرکوب نشده است و عوامل ضدانقلاب، از قبیل یانسد قاسملو و گروهک آمریکایی کومله سعی در ایجاد آشوب و تشویش در مردم دارند. شبها صدای انفجار و تیراندازی بگوش می رسد. چندی پیش ۴ نماز در یکی از خیابانهای شهر آتش گرفت، که هنوز دلیل واقعی آن روشن نیست.

این حکم دوران ماست. خلق قهرمان ایران در عمل ثابت کرده است که با دشمن اسارتگر، یکبارچه روبرو میشود و لذا پیروز است.

هرگ بر امپریالیسم آمریکا! پیروزی از آن ماست!

تمام خواهد شد. اینجانب ضمن تسلیت به خانواده های داغ دیده و شهیدپرور خوزستانی، از حضرات عظام اعلام می خواهم مراتب راسرینا خمینی منظمه و به نظر مجلس شورای اسلامی رسانده و تاروت نگذشته، فکری اساسی جهت دفع قوای کفر و تجاوزگر بیعت عراق بشود. به امید پیروزی قوای اسلام بر کفر و اسلام علیه و رحمت الله ویر کاته.

۱۰۹۱۰۹۱۰۹۱۰ حسینعلی منتظری

به دشمن غدار، که کشور ما را اشغال کرده، برای ملت ما مشوال برانگیز شده. من نمی دانم جریانات موجود در جبهه راه، که از مجموعه آن نمی توان به دفاع صریحا بعرض رهبرانقلاب رسانده یانه. شورای عالی دفاع توجه دارد که سیاست وقت کسی و مهلت تدارک نیرو به رژیم سفاک عراق دادن به قیمت ریخته شدن خون صدها جوان مسلمان و به وجود آمدن امید ادامه توطئه های شیطانی برای آمریکا

**خودداری از...
بقیه از صفحه ۱**

حضرات حجج اسلام آقایان علمای اعلام خوزستان، ایدهم الله تعالی. کشتار مردم بی دفاع اوز توسط ارتش رژیم صدام کافر، موجب تأسف شدید شده البته فداکاری و از خود گذشتگی ملت، ارتش و سپاه اسلام، در تاریخ کم نظیر است. ولی همزمان با چنین روحیه و قدرتی در ارتش عبور و سپاه عزیز ما، خودداری از هجوم وحمله

استقلال ایران...

البته آمریکا میتواند با آتش بازی کند، ولی باید متوجه باشد که این بازی در منطقه ایست که ششصد میلیون امپریالیسم در آنجاست. این بازی استکبار دارد، سر-شکستک دارد. این بازی باخت دارد ولی هرگز برد ندارد.

خلق قهرمان ایران به رهبری امام خمینی تصمیم راسخ دارد که از هستی خود، از استقلال خود، از آزادی خود، از تمامیت ارضی خود، از انقلاب خود، از جمهوری اسلامی خود، یا تمام توان خود، تا آخرین نفر و آخرین قطره خون خود، در برابر امریکایی جانیستگار و همه متحدان کوچک و بزرگ خارجی و داخلی او دفاع کند، و در این دفاع تنها نیست، تمام جبهه جهانی متحد امپریالیستی یا اوست.

بقیه از صفحه ۱

(نور) را سازمان داد، یا نقشه کشتار میلیونها ایرانی. شکست خورد. صدام جانی را به جان ایران افکند، تا ظرف چند روز، جمهوری اسلامی ایران را بشکند و «ایران آزاد» توکر بر اختیار برقرار کند. پوزماتش به خاک مالیده شد. و حالا قرار بر اینست که «جیمی کارتر» و زناله ریگان - رئیس جمهور منتخب امریکا - آزادی عمل کامل داشته باشند، تا بتوانند ایران را محاصره دریائی کنند، جزایر سه گانه ایران را در خلیج فارس بگیرند، به بنادر جنوبی ایران نیرو بیاده کنند، شهرهای ایران را بمکد نیروی هوایی مستقر بر عرشه ناوگان خود و یا از پایگاههای نظامی خود در منطقه بمباران کنند و... در يك کلام، ایران را مورد حمله مستقیم نظامی قرار دهند و یا حداقل دولتهای دست نشانده منطقه ای خود را وادار به این تهاجم نظامی کنند... تا «استقلال آهنگام» را بایران بازگردانند! ولی شتر در خواب بیند نپنه دانه، گهی لپ لپ خورده، که دانه دانه.

امریکا در این «بازی» میتواند کم خود را بشکند، ولی هرگز موفق نخواهد شد جمهوری اسلامی ایران را از پای دز آورد. پیروزی خلق قهرمان ما حتمی است. کسب این پیروزی، علیرغم تمام دشواری هائی که دارد، حتمی است. در دوران کنونی، هر خلقی که یکبارچه برای نجات استقلال و شرف خود از جنگ امپریالیسم درمشتن قیام کند، پیروز میشود.

ما به دام تحریک...

بقیه از صفحه ۶

قوانین انقلابی و کفر ستیز از این مزدوران وابسته به بیگانه خلع بد عمل آورند و دستهای مرموزشان را از صحنه سیاست های داخلی و خارجی انقلاب اسلامی قطع نمایند.

درباره این پیشنهاد چه میتوان گفت؟ لاقول میتوان گفت که حیرت انگیز است، برای اینکه بیشتر ننگته باشیم.

اگر این پیشنهاد در روزنامه «میزان» مطرح شده بود، حیرت انگیز نبود. بیاد داریم که رئیس دولت موقت، در همان نخستین روزهایی که بر سر کار آمده بود، پیشنهاد کرد که قوانین رژیم شاهملعون، تا زمانی که عوض نشده اند، نسبت به حزب توده ایران، بقوت خود باقی باشند. یعنی حزب توده ایران همچنان «منحله» باقی بماند و از فعالیت علنی آن ممانعت بعمل آید، تا منحل آسایش «پیشمان» شدگان از انقلاب نکرده. بیش از این توقعی از او و یارانش نبود. آنها همان رژیم ساقط شده را میخواستند، منهای شاه، آنهم بدلیل اینکه توانستند او را نگاهدارند، تا «سلطنت کند» حکومت!

آنها چشم دیدن حزب توده ایران را نداشتند - و ندارند - چونکه میدانستند که این حزبی است که در مبارزه برضد امپریالیسم و ارتجاع و برای استقلال و آزادی ایران در مبارزه علیه استثمار و استثمار، در راه تامین حقوق و منافع زحمتکشان، سرسخت و آشتی ناپذیر است. آنها جرات نداشتند که علنا یا «خط امام» مخالفت کنند و فقط «از دست آقا کلافه» می شدند. ولی تصور می کردند که میتوان پنام «دایلم» فلا از فعالیت حزب توده ایران جلو گرفت... ولی این «پیشنهاد» لیرالها عملی نشد. امام خمینی مکرر اعلام داشتند که مدافعان انقلاب «از هر گروه و مسلک» باید متحد از انقلاب دفاع کنند. امام خمینی اعلام داشتند که «دیکتاتوری در اسلام بزرگترین گناه است».

در دوران دیکتاتوری رضاخان قلدر، پنا به دستور دولت قخمیه

ما جلب «آتش پهلوتی» نمی شویم

حزب توده ایران سمت حرکت مشخصی دارد. سمت حرکت آن روی «خط امام» در جهت تامین پیروزی قلمی و نهائی انقلاب، در جهت شکستن هرگونه توطئه و تجاوز امپریالیسم، بسرکردگی امریکا، برای تامین استقلال کامل و واقعی کشور در جهت تحقق نوسازی کشور بسود زحمتکشان - و مستضعفان، در جهت تحقق آزادیها و حقوق دمکراتیک مردم، خلاصه در جهت تحقق اصول اساسی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران است. حزب ما از این سمت حرکت و مبارزه منحرف نخواهد شد. ما جلب «آتش پهلوتی» نمی شویم و هیچگاه سمت حرکت و قلب حرکت خود را گم نمی کنیم. ما به همه دیگر انقلابیون راستین نیز همواره توصیه کرده ایم و باز توصیه میکنیم که: جلب آتشی که، به هر بهانه، از پهلوی، بروی آنها گشوده میشود، نشوند، هیچگاه غیرعمده را عمده نکنند، لحظه ای از تقویت رهبری امام خمینی و از تقویت خط صدام امپریالیستی و مردمی امام خمینی غفلت نوزندند، بدانند که دشمن انقلاب ما، استقلال ما، آزادی ما، ترقی ما، دشمن حال و آینده ما، دشمن همیشگی ما - امپریالیسم، بسرکردگی امریکا است، که باید تمام نیروهای انقلابی بسین ما «از هر گروه و مسلک» متحداً و دست در دست یکدیگر، فداکارانه، ایثارگرانه، جانباذانه علیه او بیزمند، تا بتوان پیروزی قلمی و نهائی انقلاب را تامین کرد.

ما اطمینان داریم که اگر همه نیروهای انقلابی هشیاری بخیر دهند و متحداً عمل کنند، خلق قهرمان ما، بسر رهبری امام خمینی، خواهد توانست بر دشمن غدار - امریکا و عمالتش - غلبه کند، بر دشواریها چیره شود، میهنی مستقل و آزاد و آباد بسازد که در آن توده های میلیونی زحمتکشان از همه گونه نعمات مادی و معنوی برخوردار باشند.

ما توده ایها در این راه و بخاطر این مقصود، بیدریغ، بی توقع، با تمام وجود خود، تا پای جان مبارزه کرده ایم، میکنیم و خواهیم کرد.

انگلستان، قانون معروف به «قانون سیاه» در سال ۱۳۱۰ وضع شد. کمیونستهای آنروز را طبق آن «قانون» گرفتند و بزندان افکندند. ارانی را در زندان بقتل رساندند.

در دوران پسر سفاکش، پس از کودتای نظامی آمریکائی ۲۸ مرداد ۳۲، آن «قانون» در عمل «تکمیل» شد. «توده ایها» را گرفتند و گروه گروه تیرباران کردند، به سیاه چالها افکندند، در معرض حیوانی ترین شکنجه ها قرار دادند، و این جریان تا آخرین روزهای رژیم دست نشانده، وطن فروش، آدمکش و آزادی کش محمدرضای جانی ادامه داشت. ولی توده ایها نهرندند. در تمام طول مدت این ۲۵ سال خفقان سیاه و خونینی که بر خلق و کشور ما گذشت، هزاران بار گفتند و میلیونها بار تکرار کردند که حزب توده ایران «منحل» شد. ولی حزب توده ایران منحل نشد. توده ایها نه فقط نهرندند و منحل نشدند، بلکه به تیرد آشتی ناپذیر خود با امپریالیسم جانیستگار و استبداد دست نشانده اش ادامه دادند، تا سرانجام در جشن انقلاب شکوهمند ۲۲ بهمن، که زیر پرچم اسلام و برهبری امام خمینی به پیروزی رسید، شرکت کردند.

پس از انقلاب، باز، و این بار «چانه صاف کن های امریکا و ضدانقلاب»، چنانکه گفتیم، خواستار اعمال «قانون» رژیم منحل پهلوی دربار منع فعالیت حزب توده ایران شدند. و شکفتا که حالا ما مشاهده میکنیم که نویسنده «تحلیل»، که خود را پیرو خط امام و مدافع روحانیت مبارز و انقلاب و جمهوری اسلامی ایران میداند، به «دلیل» اینکه حزب توده ایران از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران و خط امام و روحانیت مبارز پیرو خط امام یشتیانی می کند او صلاح دانسته است که برای جلوگیری از «بهبان سازیهای» لیرالها، ایسن یشتیانی را ضد یشتیانی جلوه دهد، همان پیشنهاد را تکرار میکند، تا «قانونی» بر ضد قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران وضع شود و باز، بگونه دوران «شاهشاهی»، حزب توده ایران «منحله» شود!

درواقع حیرت انگیز است که چنان «تحلیل» و چنین «پیشنهادی» در روزنامه «جمهوری اسلامی» جانی برای چاپ و انتشار یافته است.

«تر بچه‌های پوک» در اجرای «رسالت» ضد انقلابی خود فعالتر شده‌اند

یکی اینکه این نیروها را - برای رفع اتهام «کمونیستی» از خود - و امید دارد که در سیاست داخلی از اتخاذ و اجرای تدابیر انقلابی بسود زحمتکشان و مستضعفان خودداری کنند و در سیاست خارجی از همکاری با کشورهای سوسیالیستی و ضدامپریالیستی حذر کنند، و در نتیجه، جمهوری اسلامی ایران از پشتیبانی سیاسی و معنوی و نیز از کمکهای مادی ضروری که میتوان از این کشورها دریافت کرد، محروم شود.

دوم اینکه بین نیروهای انقلابی راستین مدافع انقلاب و جمهوری اسلامی ایران، یعنی بین نیروهای مسلمان انقلابی پیرو خط امام از یکسو و هواداران سوسیالیسم علمی - که نمایندگان اصیل آن توده‌ایها هستند - ازسوی دیگر، شکاف ایجاد میکند و اتحاد عمل آنها را بسود ضدانقلاب تضعیف می‌تواند.

بدینسان، چنانکه می‌بینیم، «فائده» عملیات «تر بچه‌های پوک» در راه براندازی انقلاب و جمهوری اسلامی ایران چند جانبه است.

شیوه عمل آنها نیز متنوع است. از عمل ضدانقلابی آشکار و حتی مسلح (کومله در کردستان) گرفته، تا خرابکاری در تولید، شایه‌پراکنی، ایجاد ناامنی و درگیری و تشنج، اهانت به مسلمانان انقلابی پیرو خط امام و رهبر انقلاب و اسلام و اوباشگری از هر نوع، (و همه بنام «کمونیسم»). آنها همیشه و هم‌بنا صورت گروهی عمل نمیکنند. سعی دارند به همه جا - هر جا که قابل رسوخ باشند رسوخ کنند. همه جا - هر جا که بتوانند - در راه رسیدن به اهداف ضدانقلابی خود «القائه ایدئولوژی» میکنند. زدن هرگونه نقابی برای آنها نه فقط مجاز، بلکه بعنوان وسیله کار، لازم بشمار می‌آید. آنها میتوانند ریش بگذارند و تسبیح بندست گیرند، میتوانند فرنگی‌مآب جلوه گر شوند، می‌توانند خود را «کمونیست» معرفی کنند، میتوانند «بصفت» پرا اندازند و آنرا به کمک کاری بکشانشان - دروغ‌سازی و وقاحت در گفتار و کردار - شیوه مستمر عمل آنهاست.

«تر بچه‌های پوک» بزرگترین دشمن خود را «توده‌ایها» میدانند، زیرا بمحض اینکه «تر بچه‌های پوک» دهان باز کنند، قلمی بزنند و یا عملی انجام دهند «توده‌ایها» آنها را میشناسند ولی شناختن آنها برای دیگران نیز چندان دشوار نیست: هر کس بنام «کمونیست» و یا بنام «مارکسیست» درصدد برآمد انقلاب و جمهوری اسلامی ایران را تخریب کند، چوب لای چرخ انقلاب بگذارد، خرابکاری کند، برای جلوگیری از اتحاد عمل نیروهای راستین انقلابی سهرایشی کند، تحریک ضدانقلابی کند، در کنار لیبرالها «القائه ایدئولوژی» کند و... بدانید که «تر بچه‌های پوک» است، یعنی ضدکمونیست است، ضد مارکسیست است، ضدانقلابی است.

فرق «تر بچه‌های پوک» با ضدانقلاب خالص و عریان در اینست که نقاب «سرخ» بر چهره زده، خود را «انقلابی» یا «خیلی انقلابی» معرفی میکند. کافی است خود شما در مواضع انقلاب، دفاع از انقلاب، دفاع از جمهوری اسلامی ایران قرار گرفته باشید، تا شناخت «تر بچه‌های پوک» بر شما سهل و آسان گردد.

در این روزها «تر بچه‌های پوک» نیز بتوان جزئی از نیروی ضدانقلاب به تلاش و تکاپوی بیشتری اقدام‌اند. «فائده» کار آنها از نظر «ستاد عملیاتی ضدانقلاب» در زمینه‌سازی براندازی انقلاب و جمهوری اسلامی ایران چند جانبه است:

«تر بچه‌های پوک»، چنانکه میدانیم، متعددند و همه آنها بنام «کمونیست» و بنام «مارکسیست» عمل میکنند، و این نخستین «فائده» آنها است. بدنام کردن کمونیسم بنام «کمونیسم» و عرضه اندیشه‌های ضد مارکسیستی بنام «مارکسیسم» آسان‌تر و موثرتر از مبارزه مستقیم ضدکمونیستی و ضدمارکسیستی است. بهمانگونه که یک روحانی‌تر بهتر می‌تواند روحانیت مبارز پیرو خط امام و مسلمانان راستین انقلابی را بدنام کند، تا یک مکلای فکل کراواتی.

اینکه ماژوتیسم - این جریان سیاسی - ایدئولوژیک ضد مارکسیسم - لنینیسم، توانست در سالهای ۶۰ بزرگترین لطامت را به جنبش کارگری و کمونیستی و بزرگترین صدمات را به جنبشهای رهاپیش استقلالطلبانه ضدامپریالیستی وارد کند، برای این بود که با نقاب «انقلابی» وارد میدان شد. امروز دیگر «تر بچه‌های پوک» در کشورهای مختلف کمتر خود را ماژوتیست مینامند، زیرا معنای ماژوتیست مترادف شده است با کارچاق‌کن امپریالیسم امریکایی. «تر بچه‌های پوک» ما نیز بهمین دلیل خود را نه ماژوتیست، نه کارچاق‌کن ضدانقلاب، بلکه «کمونیست» و «مارکسیست» معرفی میکنند تا سکه تقلبی خود را نقد کنند.

گردانندگان «تر بچه‌های پوک» در کشور ما، نیروهای خود را به دو دسته تقسیم کرده‌اند (از آنها عناصری را نیز «مسلمان» کرده‌اند و هر کدام وظیفه خود را علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران ایفا میکنند) یک دسته از آنها بگونه «بیکار» از «چپ» به انقلاب و جمهوری اسلامی حمله می‌برند، این انقلاب را انقلاب نمیدانند، «انقلاب دیگری» میخواهند و به «جنگ مسلحانه» علیه جمهوری اسلامی دعوت میکنند. اینان مستقیماً دست در دست ضدانقلاب عمل میکنند و هدف آنها، پخیال خود، «منفجر» کردن جمهوری اسلامی و بازگرداندن امریکا از «دو» است.

دسته دوم آنها، بگونه «رنجبران»، از راست به جمهوری اسلامی حمله‌ور میشوند. جمهوری اسلامی را متهم میکنند که تحت تأثیر «توده‌ایها» قرار گرفته است، عملیات «کمونیستی» انجام میدهد، یا «ابر قدرت شرق» ساخته است.

ماژوتیستهای تازه مسلمان شده نیز از این موضع - «القائه ایدئولوژی» میکنند. اینان دست در دست لیبرالها عمل می‌کنند و هدفشان راندن جمهوری اسلامی بسوی سازش با امپریالیسم، به سرکردگی امریکا و بازگرداندن امریکا از «بچره» است. عمل «تر بچه‌های پوک»، چه آنها که از «چپ» و چه آنها که از راست، انقلاب را هدف قرار داده‌اند، این «فائده» را نیز دارد که میتواند پیشداوریهای ضدکمونیستی و ضد «توده‌ای» موجود در نیروهای مسلمان راستین انقلابی را برانگیزد - که اگر برانگیخته شوند، دو نتیجه، مستقیماً بسود ضدانقلاب بیار می‌آورد:

«القائه ایدئولوژی»!

لیبرالها که اینروزها همه مسلمانان انقلابی را متهم می‌سازند که توسط توده‌ایها «القائه ایدئولوژی» شده‌اند، خود بیش از همه به بیماری «القائه ایدئولوژی» مبتلا شده‌اند. ببینیم چه کسی تئوری «القائه ایدئولوژی» را به لیبرالها «القائه ایدئولوژی» کرده‌است؟

رادیو بختیار:

«بلندگوهای رژیم مفاهم باصطلاح مکتبی خود را رها ساخته‌اند و یکسره از فرهنگ لغات حزب توده برای گویندن مخالفتان استفاده می‌کنند، بصورتی که امروز لغاتی چون میانه‌رو، لیبرال و بورژوا، ناسزا و دشنام تلقی میشود (از برنامه مورخ ۸-۱۰-۵۹)»

میزان:

«برخی دولتمردان بهمانزبان و همان مفاهم مسلمانان را می‌گویند که گروههای مارکسیستی، و بعضی از روزنامه‌های متعلق به بیاد مستضعفین همان تحلیل‌ها را بکار می‌برند که (میزان، ۸-۱۰-۵۹)»



(میزان، ۹-۱۰-۵۹)

برای مقابله با تجاوز نظامی امریکا، تمام خلق باید از نظر نظامی مجهز شود

نامه مردم
ارگان مرکزی حزب توده ایران

دارنده امتیاز
و مدیر مسئول:
منوچهر بیژانی
خیابان ۱۶ آذر شماره ۶۸
(دفتر نامه مردم)
هنوز در اختیار
نامه مردم نیست

NAMEH MARDOM
No. 410
3 January 1981

Price:
West-Germany 0.80 DM
France 2 Fr.
Austria 8 Sch.
England 20 P.
Belgium 10 Fr.
Italy 350 L.
U.S.A. 40 Cts
Sweden 1.50 Skr.

خوانندگان گرامی نامه مردم و همه مقامات دولتی و غیر دولتی میتوانند به آدرس زیر با نامه مردم مکاتبه کنند:

صندوق پستی
۴۱/۳۵۵۱، منطقه
۱۴ پستی تهران



رهبر لیبی خواستار تشکیل یک جبهه وسیع علیه امپریالیسم جهانی شد

معر قذافی، رهبر لیبی، خواستار تشکیل یک جبهه وسیع برای دفاع از دستاوردهای اعراب و مبارزه علیه امپریالیسم جهانی، به سرکردگی امپریالیسم امریکا، سوسیالیسم و ارتجاع شد. قذافی، که با دانشجویان دانشگاهها در طرابلس سخن میگفت، اضافه کرد که هدف اصلی سیاست امپریالیسم امریکا در منطقه، کنترل کامل نفت کشورهای عرب است.

مبارزان قدیمی جنبش کارگری لهستان: عوامل ضدسوسیالیست با حمایت معانل از تجاعی غرب، اوضاع لهستان را به وخامت می‌کشاند

اجلاس مبارزان قدیمی جنبش کارگری لهستان در شهر کاتوویسه برگزار شد. نمایندگان شرکت کنند، در یک نامه سرگشاده به همه اعضای حزب متحده کارگری لهستان، خواستار سد کردن راه نیروهای ضدسوسیالیست در کشور شدند. در این نامه سرگشاده تأکید شده است: «این نیروها با حمایت معانل از تجاعی غرب، تلاش دارند اوضاع را در کشور وخیم کنند».

مبارزان قدیمی جنبش کارگری لهستان اظهار عقیده کرده‌اند که: «یکی از شرایط اساسی غلبه بر بحران، تحکیم حزب کارگری مارکسیست - لنینیست کشور و فشرده‌تر کردن صفوف آن در گرداگرد تصمیم‌های ششمین و هفتمین پلنوم کمیته مرکزی حزب متحده کارگران لهستان است».

این مبارزان خواستار سرعت بخشیدن به از میان بردن اشتباهات حزب و نیز مبارزه با عوامل ارتعاش و ناامنی در کشور شده‌اند.

پیام حزب کمونیست اتحاد شوروی به حزب کمونیست فرانسه

بمناسبت شصتمین سالگرد تاسیس حزب کمونیست فرانسه، احزاب کمونیست جهان پیامهای شادباشی برای این حزب مبارزه کردند. از جمله کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی در پیام خود به کمیته مرکزی حزب کمونیست فرانسه، بهمین مناسبت اعلام کرد:

«کمونیستهای شوروی برای سهم ویژه حزب کمونیست فرانسه در توسعه روابط دو کشور و تحکیم دوستی میان خلقهای فرانسه و شوروی، اهمیت ویژه‌ای قائل‌اند».

در پیام گفته میشود: «در شرایط کنونی، هنگامیکه نیروهای امپریالیستی و برتری طلب سعی دارند علیه صلح و تسخیر ذاتی و علیه سوسیالیسم و جنبش جهانی کمونیستی دست به تعرض بزنند، تحکیم همبستگی و هماهنگی همه نیروهای صلح‌دوست و ضدامپریالیست، که در پیشانی آنها کمونیستها، صرف‌نظر از اختلاف نظر درباره پاره‌های مسائل، گام بر میدارند، اهمیت اساسی می‌یابد. اقدام جمعی بسوی این نیروها در دفاع از صلح و امنیت در سراسر جهان و علیه مسافه تبلیغات هسته‌ای و تسلیحات متداول، وزن و اهمیت بیشتری می‌یابد».

در پیام کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی، اضافه شده است: «حزب یهودهای قانع روابط برادرانه و همکاری راه، که طی دهها سال مبارزه مشترک برای هدفهای مشترک، مورد آزمایش قرار گرفته‌است، حفظ و گسترش میدهد. متشاء این همبستگی لنین است که برای امکانات انقلابی طبقه کارگر فرانسه ارزشی والا قائل بود و در ایجاد توسعه حزب کمونیست فرانسه و همبستگی کمونیستهای فرانسوی بر اساس سوسیالیسم علمی و آترناسیونالیسم پرولتاری، سهم ویژه‌ای ادا کرد. هیچ‌توطئه دشمنان طبقاتی و ایورتونیستها نمی‌تواند این دوستی و همبستگی برادرانه متقابل را نابود کند».